

فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: Y4N10A444 ISSN-P: 2676-6442

بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر فرزندآوری

(مطالعه موردی: کارمندان زن متأهل آموزش و پرورش ناحیه یک شهر ارومیه)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

یاشار آسوده

کارشناس ارشد رشته علوم اجتماعی - جمعیت‌شناسی

چکیده

این پژوهش باهدف «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر فرزندآوری» (مطالعه موردی: کارمندان زن متأهل ناحیه یک آموزش و پرورش شهر ارومیه) با روش تبیینی از نوع پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کارمندان زن متأهل کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه است. برای انتخاب جامعه آماری زنان زیر ۵۰ سال انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری این پژوهش تصادفی و حجم نمونه از بین ۳۰۰ نفر، پس از برآورد از طریق فرمول کوکران ۱۲۹ نفر بدست آمد و در نهایت به ۱۲۰ نفر تقلیل یافت. با ابزار پرسش‌نامه که با کمک و نظر استاد راهنما توسط محقق طرح شده و شامل ۳۰ سؤال است، شده و $P < 0/01$ ، عوامل اجتماعی با بیش از ۴۴٪ عوامل فرهنگی با بیش از ۲۵٪ و عوامل جمعیت - اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. در بررسی فرضیه‌های پژوهش دریافت شد با توجه به رگرسیون محاسبه شناختی با بیش از ۱۹٪ در فرزندآوری مؤثر است. همچنین در نتایج فرضیه‌های فرعی دریافت شد با توجه به محاسبه رگرسیون و $P < 0/01$ سن ازدواج ۵۵ درصد، فردی ۶۱ درصد، بعد خانوار ۹ درصد، باورهای نوع خانواده (هسته‌ای، گسترده) ۴۴ درصد، منزلت اجتماعی ۶۵ تحصیلات ۲۷ درصد، عدالت محیطی ۴۹ درصد و درآمد ۷۵ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل تأثیر داشته‌اند. با توجه به محاسبه رگرسیون تعداد مطلوب فرزند بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل تأثیر نداشته است.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل جمعیت‌شناختی، باروری

مقدمه

مطالعات روند باروری در کشور نشان می‌دهد که باروری کل در کشور در سال‌های اخیر کاهش چشمگیری داشته است. با توجه به اینکه تقاضای اصلی و سیاست عمومی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران، کاهش سریع باروری و دستیابی به تعادلی جدید است که طی آن نرخ رشد جمعیت به اندازه کافی کاهش یافته و برای اجرای برنامه‌های توسعه با کیفیت، زمینه مساعد برای منابع انسانی و سرمایه‌گذاری‌های لازم انجام شود، لذا شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر الگوی باروری عمومی در این جوامع حائز اهمیت است. زیرا با شناخت موانع فرهنگی و اجتماعی در اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کرد تا شرایط فرهنگی و بینش و نگرش اجتماعی را تغییر داده و بستر مناسبی را برای اجرای برنامه‌های جمعیتی فراهم آورد. از این رو، پژوهش حاضر در نظر دارد تا به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر فرزندآوری در معلمان زن مدارس متوسطه ناحیه یک ارومیه پردازد.

بررسی نرخ باروری در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در افزایش نرخ باروری دخیل هستند. از جمله این عوامل می‌توان به وضعیت اقتصادی خانواده از جمله درآمد والدین اشاره کرد که تا حدود زیادی این امر را افزایش یا کاهش می‌دهد. از سوی دیگر عوامل اجتماعی مانند تحصیلات والدین و اشتغال زنان می‌تواند بر باروری تأثیر بگذارد. عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن ازدواج، بعد خانواده، فاصله بین فرزندان و تنظیم خانواده نیز از عوامل مهمی هستند که بر باروری زنان تأثیر می‌گذارند. تغییرات جمعیتی همواره یکی از مشکلات جمعیت‌شناسان بوده است. کاهش و افزایش جمعیت ارتباط مستقیمی با میزان باروری در یک جامعه دارد. در تهران عوامل محیطی، سنت‌های خانوادگی، تغییر سبک زندگی و الگوهای خانواده بر نگرش زنان نسبت به باروری تأثیر گذاشته است. نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان داد که بعد خانوار در کشور کاهش یافته است. برخی کاهش باروری را به کاهش اندازه خانوار نسبت می‌دهند. توجه به این نکته ضروری است که کاهش بعد خانوار نه تنها به دلیل کاهش باروری بلکه به عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی نیز مربوط می‌شود. به‌عنوان مثال، گذار از خانواده گسترده به خانواده اصلی تحت تأثیر نوسازی خانواده، بعد خانواده را کاهش می‌دهد. زوج‌های جوان امروزی تمایلی به زندگی با والدین همسر خود با تشکیل خانواده ندارند و در نتیجه میانگین تعداد افراد خانوار علاوه بر اینکه تحت تأثیر عوامل فوق تحت تأثیر کاهش باروری قرار گرفته‌اند، کاهش یافته است.

یکی از عوامل مهم در تأثیر باروری، اشتغال زنان است و بالعکس. به‌کارگیری زنان برای کار در شرایط مساوی با مردان، میزان زادوولد را کاهش می‌دهد و از جمله عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان زادوولد، مهم‌ترین آنها وضعیت اجتماعی زنان است (پور انصاری، ۱۳۹۲: ۱۰۴). موضوع اشتغال زنان و تأثیر آن بر خانواده یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که علی‌رغم اهمیت فراوان آن تاکنون به‌دقت مورد توجه قرار نگرفته است. از این‌رو، اگرچه حضور فعال زنان در فرزندآوری و باروری، نقش مادری و ازدواج را به آنان محول می‌کند، اما در دهه‌های اخیر مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی شکل جدی‌تری به خود گرفته است. اشتغال زنان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر باروری آنهاست. ضمن اینکه زنان شاغل در دانشگاه به‌تناسب کار خود با جوانان درگیر هستند که باید با راهنمایی و تشویق افراد جامعه تشکیل خانواده دهند. از طرفی این زنان درگیر زندگی روزمره هستند و در بسیاری از موارد وقت زیادی برای خانواده ندارند.

این امر جذابیت و توانایی آنها را برای داشتن فرزندان بیشتر کاهش می‌دهد. افزایش هزینه‌های زندگی، دوری از اعضای خانواده از نظر کمک گرفتن برای نگهداری از فرزندان، دو شیفت کاری والدین و... همگی تأثیر زیادی در کاهش باروری دارند. با افزایش مشکلات شهری و مشکلات روزمره، زنان شاغل به‌ویژه شاغلان در دانشگاه‌ها نیز با وجود فضای فرهنگی که در آن سیاست‌های دولت متوجه جوانان می‌شود، درگیر این مسائل هستند؛ بنابراین، باروری در بین آنها کاهش یافته است و با توجه به متغیر جمعیت‌شناختی باروری و ادامه تحقیقات در این زمینه که به شناسایی ابعاد رشد جمعیت کمک می‌کند، پژوهش با این سؤال مواجه است که عوامل اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی بر کاهش باروری مؤثر کدام‌اند؟

از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که به سمت توسعه اقتصادی و

اجتماعی حرکت می‌کند، موضوع جمعیت و رشد آن از حساسیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر، هر نوع برنامه‌ریزی در کنترل جمعیت مستلزم توجه به باروری و شناخت عوامل و علل مؤثر بر آن است. از این‌رو در این مطالعه سعی بر آن شد تا عوامل کنترل‌کننده باروری را شناسایی کنیم. مطالعه بر روی کارمندان زن متأهل دانشگاه از آن‌جهت حائز اهمیت است که آنها در محیطی فرهنگی و تحصیل کرده به کار گرفته می‌شوند و در مقابل با توجه به ارتباط با قشر تحصیل کرده، هرگونه تغییر در میزان باروری آنها و بررسی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند. راهکارهایی برای شناسایی علل کاهش باروری و فرزندآوری در بخش بزرگی از جامعه باشد. این مطالعات بر روی نگرش‌ها، باورها، برخی اطلاعات در مورد شرایط زندگی و دسته‌بندی‌هایی که افراد را متمایز می‌کند، تمرکز دارد.

مطالعه حاضر طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر نرخ رشد باروری را پوشش می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود عوامل اجتماعی (وضعیت اجتماعی، عدالت محیطی و درآمد) و عوامل فرهنگی باورهای فردی، سطح تحصیلات و نوع خانواده (بنیاد و گسترده) و عوامل جمعیت‌شناختی (سن ازدواج، تعداد فرزندان موردنظر و بعد خانواده) می‌توانند تأثیر بر فرزندآوری تأثیر بگذارند.

هدف اصلی تحقیق، بررسی «عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی مؤثر بر فرزندآوری (مطالعه موردی: کارمندان زن متأهل کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه) است.

اهداف جزئی: شناخت تأثیر منزلت اجتماعی، عدالت محیطی، میزان درآمد، باورهای فردی، نوع خانواده، سن ازدواج، تعداد مطلوب و بعد خانوار بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه.

بخش اول: مفاهیم و اصطلاحات

باروری^۱ به رفتار تجربی، واقعی یا بالفعل فرزندآوری جمعیت اطلاق می‌شود. در این تعریف دو نکته نهفته است: اولاً، باروری یک پدیدهٔ جمعی است نه فردی؛ یعنی اگرچه داده‌های اولیه

به فرد مربوط است ولی شاخص‌های باروری شاخص‌های جمعی هستند و بازگشت آنها به جمعیت است. ثانیاً، باروری به رفتار تجربی و بالفعل فرزندآوری جمعیت اطلاق می‌شود نه به امکان بالقوه فرزندآوری (سرایی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

باروری مقیاسی است برای اندازه‌گیری قدرت تولیدمثل که از آمار تعداد کودکان زنده به دنیا آمده به دست می‌آید. باروری واژه‌ای است که در جمعیت‌شناسی به معنای تعداد واقعی کودکان زنده به دنیا آمده به کار برده می‌شود (پولارد، ۱۳۸۰: ۴۸).

عدالت محیطی: برقراری شرایط عادلانه کاری، توزیع درآمد، توزیع برابر امکانات اقتصادی و اجتماعی در جهت رفع محرومیت افراد جامعه، عدالت محیطی هست (عبرت‌گیر، ۱۳۹۲: ۵۰).
باور فردی: اعتقادات و نگرش‌های فرد به یک موضوع خاص، باور فردی است (عبرت‌گیر، ۱۳۹۲: ۵۰).

منزلت اجتماعی: به پایگاهی اجتماعی اطلاق می‌شود که فرد در میان گروه دارد. منزلت را برآوردی مثبت یا منفی از احترام یا پرستیژ پذیرفته شده از سوی افراد یا موقعیت‌ها تعریف کرده‌اند. منزلت، بازتاب‌دهنده عواملی همچون منشأ خانوادگی رفتار، تحصیلات و ویژگی‌های مشابه است که دستیابی به آنها یا از دست‌دادنشان سخت‌تر از به‌دست‌آوردن یا از دست‌دادن ثروت اقتصادی است (ویر، ۱۳۸۲: ۴۵۹).

خانواده هسته‌ای: خانواده هسته‌ای یا خانواده زن‌وشوهری خانواده‌ای است مرکب از یک زن و یک مرد با تعدادی فرزندان ازدواج‌نکرده. در خانواده هسته‌ای حداکثر دو نسل وجود دارد و از نظر قدرت تصمیم‌گیری ممکن است مستقل، نیمه مستقل و وابسته به شبکه خویشاوندی و خانواده گسترده باشد.

خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

خانواده گسترده: خانواده‌ای است که بر اساس بستگی‌های نسبی و سببی استوار است و شامل چند گروه خونی و چند گروه زناشویی است. خانواده گسترده فرزندان خود را پس از ازدواج در خود جای می‌دهد و گسترش آن نیز به همین لحاظ است و به‌این ترتیب ممکن است چند

نسل زیر یک سقف و در یک خانه مشترک زندگی کنند (وثوقی، نیک خلق، ۱۶۸: ۱۳۸۱).
 سن: تعداد سال های کامل خورشیدی که از بدو تولد فرد می گذرد (کرمانی، ۱۳۸۵: ۳۳).
 جمعیت شناسی: جمعیت شناسی با مترادف انگلیسی دموگرافی، علمی بسیار تازه است. این کلمه که از دو ریشه ((GRAPHOS نوشته) و DEMOS (مردم) تشکیل شده است برای اولین بار در سال ۸۵۵ میلادی در آثار یکی از نویسندگان فرانسوی به نام آشیل گیلارد به کار رفت.

۱. بنا به تعریف مرکز جمعیت شناسی سازمان ملل و لغت نامه چندزبانی جمعیت شناسی این سازمان، جمعیت شناسی مطالعه علمی پدیده های جمعیتی را از سه منظر: الف- بعد جمعیت؛ ب- ساخت جمعیت و ج- تحول جمعیت دنبال می کند و همواره اثر آن را در زمان و مکان مدنظر قرار می دهد (صالحی، ۱۱: ۱۳۸۳)

بخش دوم: پیشینه تحقیق (تحقیقات داخلی و تحقیقات خارجی)

نویسنده - سال	عنوان / موضوع	یافته های تحقیق
شهبازی (۱۳۷۵)	بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری در فرهنگیان شهرستان نهاوند	یافته ها نشان داده است تحصیلات، درآمد، شهری یا روستایی بودن و تعلق زن یا مرد به خانواده گسترده یا هسته ای، بر باروری تأثیر دارد.
- مهریار و دیگران (۱۳۸۲)	بررسی رابطه بین تحصیلات و فعالیت اقتصادی زنان بر منفی آشکار بین باروری و تحصیلات زنان	یافته نشان داده است در مجموع استان هایی با میزان بالای اشتغال زنان باروری پایین تر و میزان استفاده از وسایل جلوگیری بالاتری دارند. همچنین در سطح فردی زنان فعال از لحاظ اقتصادی تمایلی به باروری پایین تری دارند
تکلیمی (۱۳۷۹)	عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری	نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیونی این بررسی نشان می دهد میزان باسوادی زنان و میزان رشد شهرنشینی، به ترتیب بیشترین و کمترین تأثیر را در میزان باروری در معادله رگرسیونی داشته اند.
کتیری (۱۳۸۷)	بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹ -	نتایج نشان داده که سطح تحصیلات زوجین، سن ازدواج، اشتغال، تعداد مطلوب فرزندان و طول مدت

یافته‌های تحقیق	عنوان / موضوع	نویسنده - سال
ازدواج زنان در تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد. ۱۵ ساله شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ شهر تهران پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد.	۱۵ ساله شهر ورامین	
یافته‌های این تحقیق عدم توجه و یا کم‌توجهی به شرایط اجتماعی، ارزشی و فرهنگی حاکم بر فضای جامعه و نیز موانع اقتصادی تأثیرگذار بر باروری را به‌عنوان عناصر مهم و مؤثر بر باروری ذکر می‌کند.	بررسی عوامل اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان	شیری و بیداریان (۱۳۸۸)
نتیجه‌گیری: درآمد، اشتغال زنان، هزینه‌های سنگین و مسکن از عوامل مؤثر بر ارزش فرزند در بین زوجین شده است.	بررسی رابطه ارزش فرزند از دیدگاه زوجین در مواجهه با مسائل اقتصادی و اجتماعی	دلپسند (۱۳۸۹)
در نتایج خود چنین نشان داده است که عوامل اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر را بر کاهش باروری بین جوانان داشته است.	بررسی عوامل مؤثر بر کاهش باروری در شهر یزد	ایزدی (۱۳۹۰)
نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هیچ تفاوتی بین گروه‌های مختلف شغلی زنان و همچنین زنان غیرشاغل درباره ارزش‌گذاری فرزندان وجود ندارد. متغیر سطح تحصیلات در هر دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار با مؤلفه‌های فواید اقتصادی فرزند و محدودیت‌ها و فرصت‌های ازدست‌رفته رابطه مستقیم دارد.	رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی	مشفق و غریب عشقی (۱۳۹۱)
نتایج نشان داده است که مشکلات اقتصادی و عدم تفاهم زوجین از مهم‌ترین عوامل در کاهش باروری بوده است.	بررسی عوامل مؤثر بر کاهش باروری بین زوجین ۱-۵ سال ازدواج کرده در منطقه ۲ شهر تهران	سالکی (۱۳۹۲)
نتایج نشان داده است که مشکلات اقتصادی، جایگاه اجتماعی آموزگاران و درگیری‌های شغلی در رفتار باروری آنان تأثیر داشته و آن را کاهش داده است.	بررسی عوامل مؤثر بر کاهش باروری بین آموزگاران منطقه ۱۸ شهر تهران	تبریزی (۱۳۹۲)

نویسنده - سال	عنوان / موضوع	یافته های تحقیق
معصومی (۱۳۹۲)	علل گرایش به تک فرزندی بین زوجین تازه ازدواج کرده در شهر شیراز	نتایج نشان داده است عوامل اقتصادی، تبدیل شدن زندگی سنتی به مدرن، مشارکت بیشتر زنان در جامعه و ناسازگاری عاطفی بین زوجین، از مهم ترین عوامل مؤثر بر گرایش به تک فرزندی است.
شکر بیگی (۱۳۹۳)	بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر تک فرزندی در شهر ایلام	نتایج نشان داده است بین عوامل جمعیتی و اقتصادی بیشترین رابطه با گرایش به تک فرزندی وجود دارد و قومیت تأثیر بر گرایش به تک فرزندی نداشته است.
عرفانی (۱۳۹۳)	عوامل تأثیر گذار بر نگرش زوجین به تک فرزندی	نتایج حاکی از آن است که رشد روزافزون این نگرش که با آمدن فرزند (دیگر) شرایط اقتصادی، روابط زناشویی، نگرش اطرافیان و احساس امنیت و رضایت از زندگی فرد بد و بدتر می شود به طور مستقیم بر نیت فرد به داشتن فرزند (دیگر) تأثیر منفی می گذارد و این امر تک فرزندی را بیشتر کرده است.
رابرتسون ^۱ (۲۰۰۸)	بررسی علل کاهش باروری در بین زوجین جوان	چنین نتیجه شد که اشتغال یکی از مهم ترین عللی است که مانع از بچه دار شدن می شود و ماشینی شدن زندگی ها و سرد شدن روابط خانوادگی از دیگر علل تأثیر گذار محسوب می شود.
ویلیامسون ^۲ (۲۰۰۹)	بررسی علل کاهش انگیزه های باروری در بین زنان و مردان	نتایج حاکی از این بود که مشکلات اقتصادی، مدرن شدن زندگی ها و ازدیاد خواسته های زوجین و سهولت طلاق از عوامل تأثیر گذار بر کاهش باروری و بچه دار شدن است.
اکین ^۳ (۲۰۰۵)	بررسی رابطه میان باروری با عواملی مانند تحصیلات، مشارکت	نتایج نشان داده است سطح تحصیلات ابتدایی و متوسطه زنان و مشارکت اجتماعی زنان با باروری رابطه معکوس

۱ Rabertson

۲ Wiliamson

۳ Akin

نویسنده - سال	عنوان / موضوع	یافته‌های تحقیق
	اجتماعی و شغل زنان	دارد ولی با وجودی که سطح تحصیلات عالی با باروری رابطه منفی دارد، این رابطه معنادار نیست.
بهات ^۱ (۲۰۰۹)	بررسی علل کاهش باروری در کشور هند	نتایج نشان داده است که برنامه‌های تنظیم خانواده، تأخیر در ازدواج و تشویق به سقط جنین از عوامل مؤثر بر کاهش باروری بوده است.

بخش سوم: مبانی نظری

اهمیت باروری به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تغییر ساختار جمعیت باعث شده است تا مطالعاتی در زمینه باروری و عوامل مؤثر بر آن، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات جمعیت‌شناختی به خود اختصاص دهد. از آنجایی که زنان عامل اصلی زایمان هستند، موقعیت آنها می‌تواند بر رفتار باروری تأثیر بگذارد. تفاوت جایگاه زن و مرد در نظام اجتماعی باعث می‌شود که زنان با افزایش تعداد فرزندان، بخشی از موقعیت خود را تقویت کنند. پایین بودن جایگاه زن در خانواده و جامعه باعث شده است که او در مورد بزرگ‌ترین وظیفه‌ای که جامعه بر دوش او محول می‌کند (باروری و تربیت فرزند) قدرت تصمیم‌گیری درستی نداشته باشد و از سوی دیگر جامعه او را مسئول افزایش باروری بداند. این در حالی است که در سال‌های اخیر با وجود همه توانمندی‌های زنان برای باروری، شاهد کاهش باروری در بین نسل جوان بوده‌ایم و در صورت تداوم، با نسل مسن مواجه خواهیم شد. با توجه به این موضوع، در این فصل ابتدا مفاهیم مربوط به جمعیت‌شناسی و سپس نظریه‌های پیشنهادی و مبانی نظری و چارچوب نظری ارائه شده و در پایان تحقیقات قبلی و مدل تحقیق معرفی شده است.

بند اول: عوامل مؤثر بر نرخ رشد جمعیت

عوامل مؤثر بر نرخ رشد جمعیت عبارت‌اند از: نرخ باروری، مرگ‌ومیر و تحصیلات. بررسی‌های آماری و اقتصادسنجی نشان می‌دهد که بین میزان تحصیلات و میزان باروری

^۱ Behat

همبستگی منفی وجود دارد. آموزش می تواند تصور والدین را از تعیین تعداد فرزندان و اندازه خانواده به طرق مختلف تغییر دهد، از جمله: داشتن رفاه بیشتر با فرزندان کمتر، تأثیر آموزش بر فرزندان در آینده، و تشویق والدین به تربیت و آموزش. آنها تحصیلات موقعیت اجتماعی زنان را بالا می برد و در نتیجه باروری را کاهش می دهد. مشارکت دختران در مدرسه و به تبع آن ورود به بازار کار باعث تأخیر در زمان ازدواج و کاهش باروری می شود (حائریان اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). مطالعات نشان داده است که تحصیلات تقریباً در همه کشورها بر باروری تأثیر می گذارد. رابطه بین تحصیلات و باروری معمولاً منفی است. یعنی با افزایش تحصیلات به خصوص تحصیلات زنان، باروری آنها نیز کاهش می یابد.

تأثیر آموزش بر باروری به عوامل متعددی مرتبط است که برخی از آنها اقتصادی و برخی فرهنگی هستند:

- انگیزه اقتصادی (اعم از مصرف کننده یا سرمایه دار بودن کودک)، میزان شهرنشینی و اشتغال زنان. اشتغال زنان و وابستگی آنان به کار موجب می شود تا در مدیریت زندگی، اوقات فراغت کمتری داشته باشند. طبیعی است چون شغل آنها برای امرارمعاش و کمک های مادی به مرد خانواده است، هر دو بیشتر به شغل خود وابسته هستند و ممکن است به دلیل هزینه های نگهداری و تربیت فرزند به داشتن فرزند کمتر بسنده کنند. افزایش شهرنشینی باعث کاهش باروری نیز می شود، زیرا سطح تحصیلات و بهداشت در شهرها بالاتر است. همچنین در شهرها به دلیل تراکم جمعیت، خانواده ها از نظر مسکن، حمل و نقل و آلودگی محیط زیست محدودتر هستند و علاقه ای به افزایش این محدودیت ها با افزایش تعداد اعضای خانواده ندارند. به طور کلی، شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی مانند بیکاری، تورم و درآمد کم بر تصمیم جوانان در مورد ازدواج تأثیر می گذارد و باعث به تعویق افتادن آن می شود (مصطفوی، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۷).

بند دوم: عوامل فرهنگی

کاهش باروری در انتقال جمعیت نتیجه تغییر در رفتار باروری افراد جامعه است که ارزش ها و باورهای فرهنگی می تواند عامل این تغییرات باشد. در طول انتقال جمعیت کشورهایی که

اکنون توسعه یافته تلقی می‌شوند، انگیزه کنترل مولید باید بسیار قوی بوده باشد تا جریان باروری در این کشورها کاهش یابد. زیرا روش‌ها، روش‌های پیشگیری از بارداری یا زایمان در آن زمان چندان پیشرفته نبود (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸). البته عوامل فرهنگی تنها متغیرهای مؤثر بر رفتار باروری نیستند. عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و محیطی نیز می‌توانند رفتار باروری را تغییر دهند. از جمله عوامل فرهنگی که می‌تواند افراد را از اقدام برای کنترل مولید باز دارد جبر یا سرنوشت است. بر اساس این دیدگاه، این جهان تحت کنترل انسان نیست و نمی‌توان با تلاش خود، رویدادهایی مانند باروری را تغییر داد. در ادبیات ایران موارد فراوانی وجود دارد که حاکی از «ضامن رزق» بودن خداوند است و دغدغه روزی فرزندان را بیهوده می‌داند (کتابی، ۱۳۷۵). بدیهی است که وجود این دغدغه می‌تواند انگیزه‌ای برای محدودسازی مولید باشد. توسعه دانش و فنون پیشگیری از بارداری و فعالیت‌های وزارت بهداشت در روستاها می‌تواند یکی از دلایل فرهنگی افزایش اولیه و متعاقب آن کاهش باروری در سال‌های پس از انقلاب اسلامی باشد. این در حالی است که عوامل اقتصادی مانند بیکاری، تورم و کاهش دستمزدهای واقعی بی‌توجه نبوده‌اند. گسترش تحصیلات نیز ازدواج را تا فارغ‌التحصیلی به تأخیر انداخته و سن ازدواج را افزایش داده است. دختران و پسرانی که تصمیم به ادامه تحصیل دارند معمولاً دیرتر از دیگران ازدواج می‌کنند. از سوی دیگر، حق انتخاب فرزندان در ازدواج، تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی را بر سن ازدواج افزایش داده است (مصطفوی، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۷).

بند سوم: باروری در ایران در سال‌های ۹۲-۱۳۹۱

تصور و مفهوم مادری در جامعه امروزی تغییر کرده است، به طوری که دیگر نقش مادری تنها بهترین نقش زنان تلقی نمی‌شود، بلکه زنان این نقش را در کنار سایر نقش‌ها در نظر می‌گیرند و برای برخی از زنان جوان، مادری اولین نقش نیست. یا شاید تنها هدف ازدواج یا پایان زندگی زنانه‌شان باشد و انگیزه «مادر شدن» مثل گذشته قوی نباشد. در زندگی امروزی، برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی و اجتماعی از اصل زندگی خانوادگی فراتر رفته و هویت شغلی و تحصیلی به عناصر شخصیتی افراد تبدیل شده است، به طوری که به تدریج زن را از نقش

مادری خارج کرده است. زنان در دهه های اخیر توجه بیشتری به گسترش فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود داشته اند و تعاریف جنسیتی از نقش های زن و مرد تغییر کرده است، به طوری که با تنوع نقش های زنان مواجه هستیم. روند جهانی شدن و تغییر نگرش، هویت فردی و اجتماعی زنان را تغییر داده است، زنان به دنبال هویت زنانه خود در خارج از خانه هستند و کاهش فرزندآوری به هزینه ای برای مهارت های اجتماعی مانند تحصیل، اشتغال و درآمد تبدیل شده است (اسحق، ۱۳۹۳).

بند چهارم: بررسی نظریه های مطرح

مهم ترین نظریه های مطرح در خصوص باروری از این قرار است:

۱) نظریه های اقتصادی باروری

دو نوع نظریه اقتصادی مرتبط با باروری و تغییرات آن ارائه شده است. نوع اول تصمیمات باروری خانوار را در مفهوم تخصیص منابع خانوار قرار می دهد. یعنی بحث بچه دار شدن بخشی از بحث اقتصاد مصرف کننده معمولی است. نوع دوم از خانواده شروع می شود و ایده اصلی آن ارتباط خانوار با آمارهای کلان اقتصادی و تلاش برای مقایسه منافع اجتماعی با هزینه های اجتماعی است.

۲) نظریه لیبن اشتاین^۱

این نظریه در دهه ۱۹۶۰ ارائه شد و بر این فرض عملی و تجربی مبتنی است که نرخ رشد جمعیت تابعی از سطح درآمد سرانه است. رشد جمعیت ارتباط مستقیمی با مراحل مختلف توسعه اقتصادی دارد. زمانی که درآمد سرانه با حداقل دستمزد برابری می کند، نرخ تولد و مرگ در حداکثر سطح است. در این صورت میزان تولد و مرگ برابر است و نتیجه آن رشد جمعیت در سطح بقا است. اگر درآمد سرانه بالاتر از سطح معیشتی باشد، نرخ مرگ و میر کاهش می یابد، بدون اینکه تغییری در نرخ زاد و ولد ایجاد شود. نتیجه افزایش رشد جمعیت خواهد بود؛ بنابراین افزایش درآمد سرانه باعث افزایش جمعیت خواهد شد و این فقط تا اینجاست. از این مرحله به بعد با رشد درآمد سرانه، زاد و ولد کاهش می یابد و زمانی که روند

^۱ H. Leibenstein

توسعه اقتصادی تقویت شود، رشد جمعیت کاهش می‌یابد. لیبن اشتاین معتقد است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند چند فرزند داشته باشند؛ بنابراین ایجاد نوعی تعادل بین رضایت اقتصادی و هزینه‌های مراقبت از کودک، مبنای اصلی نگرش افراد نسبت به تعداد فرزندان است. بر اساس نظریه لیبن اشتاین، سه نوع سود و دو نوع هزینه برای کودکان وجود دارد (سالکی، ۱۳۹۲: ۲۳).

منفعت‌ها	هزینه‌ها
≠ کالا بودن فرزند به‌عنوان یک منبع لذت برای والدین	≠ هزینه‌های مستقیم: هزینه‌های نگهداری و مراقبت‌های مختلف از فرزند تا زمانی که به مرحله منفعت اقتصادی برسد.
≠ نیروی کار قلمداد شدن فرزندان.	≠ هزینه‌های غیرمستقیم:
≠ تأمین و نگهداری والدین در سنین کهنولت یا بیماری و از کارافتادگی	≠ که به فرصت‌هایی که مادران به‌خاطر نگهداری طفل خویش از دست می‌دهند مربوط می‌شود.

لیبن اشتاین نتیجه می‌گیرد که اگر منافع اقتصادی حاصله از وجود فرزند، بیشتر از هزینه‌های دوگانه آن باشد، خانوار انگیزه پیدا می‌کند که فرزندان بیشتری داشته باشد (عبدالملکی، ۱۳۷۹: ۷۳).

۳- نظریه بکر^۱

گری بکر در مقاله معروف خود در سال ۱۹۶۰، تحلیل اقتصادی باروری، نظریه خود را بیان می‌کند: رفتار باروری خانوارها تحت تأثیر رفتار اقتصادی آنها است و همانطور که خانواده‌ها در مورد یک کالا تصمیمات اقتصادی می‌گیرند، داشتن فرزند نیز نوعی تعادل منطقی ایجاد می‌کند. در مورد ترجیحات و سلايق آنها، میزان درآمد و هزینه‌های کودک و بنابراین تصمیم آنها را می‌توان دو شرط اصلی در نظر گرفت: (۱) تصمیم‌گیری منطقی بین راه‌حل‌های جایگزین. (۲) در نظر گرفتن بهای مفید بودن کودک. وی همچنین خاطر نشان می‌کند که دولت‌ها می‌توانند با پرداختن به هزینه‌های مختلف مراقبت از کودکان به ساکنان کشور خود، سیاست‌های جمعیتی را برای محدود کردن نرخ زادوولد اجرا کنند (فرزاد سیر، ۱۳۸۳: ۳۲).

^۱ G. Becker

۴- نظریه رفتار مصرف کننده و اقتصاد خرد باروری

اقتصاددانان سعی کرده اند علل تغییرات باروری را با استفاده از نظریه نئوکلاسیک قدیمی رفتار مصرف کننده برای تجزیه و تحلیل تصمیم خانواده برای داشتن فرزند یا فرزند توضیح دهند. در این مدل، فرض بر این است که خانوارهایی با درآمد پولی معین و یک سری سلیق و ترجیحات خاص برای کالاها و خدمات، سعی می کنند درآمد خود را بین کالاها و خدمات مختلف به گونه ای تقسیم کنند که حداکثر رضایت و وضعیت مطلوب حاصل شود. یابند. از آنجایی که اقتصادی است که شامل منطقی کردن رفتار اقتصادی می شود، دیدگاه نظری مصرف کننده فرض می کند که یک فرد اقتصادی منطقی عمل می کند و تصمیم به داشتن فرزند با عنصر انتخاب فرزندآوری، تحت تأثیر ترجیحات خانواده، می گیرد. فرضاً: الف) تعداد فرزندان (معمولاً پسر) که می توانند زنده بمانند. در برخی جاها، والدین بیش از آنچه که بخواهند زایمان می کنند، زیرا می دانند که برخی از آنها زنده نمی مانند. ب- هزینه رشد و تربیت آنها؛ ج- سطح درآمد خانوار خواهد بود. به ویژه در جوامع فقیر، کودکان به عنوان یک کالای سرمایه گذاری اقتصادی به حساب می آیند، زیرا آنها از طریق کار کودکان بازدهی مورد انتظار برای والدین خود دارند و زمانی که والدین به سن بازنشستگی و ناتوانی می رسند، این کودکان اکنون که بزرگ تر شده اند می توانند از نظر مالی به آنها کمک کنند (عبدالملکی، ۱۳۷۹: ۴۸).

بند پنجم: نظریه اقتصادی - اجتماعی باروری

۱) نظریه ایسترلین

مدل دیگر برای توضیح تحولات باروری «چارچوب عرضه و تقاضا و هزینه های تنظیم باروری» است که توسط ریچارد ایسترلینگ پیشنهاد شده است. ایسترلین باروری را با استفاده از مفاهیم عرضه، تقاضا و هزینه های تنظیم باروری توضیح می دهد. ایسترلین تصمیم به کنترل باروری را تحت تأثیر سه عامل CN، CD و RC می داند (YAVUZ, ۲۰۰۸: ۷۴). این شاخص تحت تأثیر سطوح طبیعی باروری و احتمال بقای کودکان است. تقاضا برای فرزند (CD یا اندازه ایده آل کودک) تعداد فرزندان است که خانواده ها در صورت مناسب بودن هزینه های

کنترل باروری خواهند داشت. هزینه تعدیل باروری (RC) شامل دو دسته هزینه‌های مادی مانند زمان و پول مورد نیاز برای یادگیری و دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری و هزینه‌های روانی مربوط به پذیرش پیشگیری از بارداری است. اگر تقاضا بیش از عرضه باشد و خانوار نتواند به آن برسد. بعد ایده آل، انگیزه داشتن فرزند افزایش می‌یابد، در نتیجه انگیزه کنترل باروری افزایش می‌یابد و کنترل باروری زمانی اتفاق می‌افتد که هزینه‌های تعدیل باروری کم باشد. به‌عنوان یک کالای سرمایه‌ای کاهش می‌یابد و در نتیجه تقاضا برای کودکان کاهش می‌یابد (امیر مرادی، ۱۳۹۳: ۳۲).

۲) موانع کنترل جمعیت و تنظیم خانواده

این موانع به دودسته تقسیم می‌شوند: یکی موانع مذهبی برای باروری که مربوط به پذیرش پیشگیری از تولد است و به مجموعه‌ای از عوامل عقیدتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد. دوم، موانع مادی و عینی باروری که شامل هزینه‌های مالی برای آموزش و خرید دستگاه‌های کنترل باروری یا سایر جنبه‌های مربوط به دسترسی به دستگاه‌های پیشگیری از بارداری و یادگیری روش‌های آن می‌شود.

۳) نظریه پیرامون - مرکز

کارشناسان اطراف مرکز عمدتاً بر این نکته تأکید دارند که رفتار جمعیتی به‌ویژه رفتار افراد، بازتابی از وضعیت اقتصادی - اجتماعی و لزوماً نیازهای آنهاست، به‌طوری که در جوامع سنتی کشاورزی به دلیل نیاز به نیروی کار دستی و دست‌زیاد برای کار، آنها نرخ زادوولد بالا و ترجیح جنسی در باروری دارند. از نظر آنها برای تغییر رفتار تولیدمثلی ابتدا باید عواملی که نیازهای مادی و فرهنگی آنها را ایجاد می‌کنند تغییر دهند. شاید به همین دلیل است که بر تأثیر آموزش رسمی (آموزش و پرورش) و آموزش غیررسمی (از طریق رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون) که می‌تواند در ایجاد و تغییر نیازهای مردم تأثیرگذار باشد، تأکید کرده‌اند. آنها معتقدند محیط و جامعه افراد و نیازهای آنهاست که فرد را وادار می‌کند تا مدل باروری متناسب با نیازهای خود را انتخاب کند (حجتی شرق، ۱۳۸۰: ۲۲).

بند ششم: تئوری های اجتماعی - فرهنگی باروری

۱- تئوری ارتقای اجتماعی

برجسته ترین متفکر در این طرز تفکر، فیلسوف فرانسوی آسن دمون است. او معتقد است که داشتن فرزند کم و بیش ارتباط تنگاتنگی با موقعیت اجتماعی والدین دارد. به عبارت دیگر، اگر در جامعه ای با تعداد فرزندان بیشتر، امکان ارتقای جایگاه اجتماعی و ارتقای طبقات اجتماعی بیشتر باشد (مانند بسیاری از جوامع توسعه نیافته کشاورزی)، خانواده ها ترجیح می دهند فرزندان بیشتری داشته باشند (عرفانی، ۱۳۹۳: ۴۰).

۲- نظریه تغییر و پاسخ

این نظریه توسط کینگزلی^۱ دیویس در سال ۱۹۶۳ با الهام از ایده های دمونت ارائه شد. این نظریه کاهش باروری در کشورهای غربی را پاسخی به کاهش نرخ مرگ و میر در آن کشورها می داند. از این رو اروپایان غربی برای محدود کردن خانواده از پیشگیری از بارداری و ازدواج در سنین بالاتر استفاده می کردند زیرا امکان پیشرفت اجتماعی برای خانواده های پرجمعیت بسیار محدود بود. اما در کشورهای در حال توسعه، تغییر و کاهش میزان مرگ و میر منجر به واکنش مشابهی نشد. تراکم جمعیت در مناطق روستایی که ناشی از بهبود شرایط بهداشتی و به تبع آن کاهش مرگ و میر کودکان و زاد و ولد است، باعث شد تا جمعیت بیش از حد روستاها بدون تغییر الگوی باروری به سمت مناطق شهری برای یافتن شغل روی آورند. مناطق شهری نیز باید گسترش یابد (امیر مرادی، ۱۳۹۳: ۳۳).

۳- نظریه اشاعه و عقب افتادگی فرهنگی

فرض اصلی این نظریه این است که کنترل باروری ارتباط مستقیمی با نگرش افرادی دارد که ابتدا معنای کلمه تنظیم خانواده و وسایل پیشگیری از بارداری را می دانند و سپس بر استفاده افراد از وسایل پیشگیری از بارداری تکیه می کنند. به گفته جیمز بشرز^۲ بین شهرنشینان در

^۱ Kingezli Deyvis

^۲ J. Beshers

شناخت و استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری و همچنین نگرش نسبت به تنظیم خانواده تفاوت وجود دارد. در چنین شهرهایی ابتدا نگرش مثبت نسبت به تنظیم خانواده در میان افراد طبقه متوسط و سپس در مرحله بعد در بین افراد طبقات پایین جامعه ایجاد می‌شود. وجود چنین فاصله زمانی در شناخت و استفاده از روش‌های پیشگیری و تطبیق رفتار باروری با سیاست‌های تنظیم باروری در مناطق روستایی در ارتباط با مناطق شهری نیز دیده می‌شود (فرزاد سیر، ۱۳۸۳: ۲۵).

۴- نظریه نوگرایی و مدرنیته

مدرنیته مجموعه‌ای از رفتارها و ارزش‌هایی است که در نتیجه نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف پدید آمده است. به عقیده طرفداران این نظریه، نوسازی محیط، نوعی سبک زندگی و تفکر ایجاد می‌کند که سرنوشت و خانواده‌گرایی را تضعیف می‌کند و بینش و آرزوهای زندگی مرفه‌تر را در انسان تقویت می‌کند. یکی از آثار مدرنیته به گفته این دانشمندان کاهش میل به فرزند بزرگ و در نتیجه کاهش باروری است؛ بنابراین، بر اساس این فرضیه، هر چه زن و شوهر مدرنیته بالاتری داشته باشند، احتمال فرزندآوری و در نتیجه کاهش رفتار باروری آنها کاهش می‌یابد. البته در توجیه این رابطه معکوس میان مدرنیته و باروری باید همه جوانب و ویژگی‌های پدیده مدرنیته را در نظر گرفت (پایدارفر، ۱۳۸۱: ۸۸). مورد خاصی که در این نظریه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است وضعیت تحصیلی خانواده‌ها و شیوه تربیت جوامع است که با تأثیر بیرونی بر مدرنیته و اندیشه جدید موجب نوسازی در اقتصاد، فرهنگ و جامعه شده و روند باروری را تغییر می‌دهد؛ بنابراین تا جایی که وضعیت اقتصادی جامعه و خانواده در سطحی بالاتر از حد معمول قرار می‌گیرد و پایگاه اجتماعی افراد نیز بالا می‌رود، نرخ باروری برعکس می‌شود و کاهش می‌یابد. (پایدارفر، ۱۳۸۱: ۹۰).

بند هفتم: مدل جامعه‌شناختی باروری

در مدل باروری مبتنی بر جامعه‌شناسی کلاسیک، رفتار باروری بر حسب ویژگی‌های جامعه و نهادهای آن تبیین می‌شود. این نهادها شیوه زندگی و قوانین و مقررات حاکم بر رفتار انسان را در تمامی زمینه‌های حیاتی از جمله باروری وضع کرده‌اند. چنین مقرراتی به نیازهای انسان در

جامعه می‌پردازد (دیویس و بلیک، ۱۹۵۶؛ فریدمن، ۱۹۷۵؛ راث ۱۹۷۶)، از این رو عوامل محیطی مانند منافع طبیعی و جمعیت، ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ جامعه تا حد اهداف تولیدمثلی. افراد به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تأثیرات اجتماعی که در متغیرهای میانجی یا مداخله‌گر مانند سن در ازدواج اول آشکار می‌شود، تعیین می‌شوند. به‌طور کلی، مؤلف‌ها و نهادهای ساختاری جامعه، هنجارهای اندازه مناسب خانواده و سطوح متغیرهای واسطه‌ای را که فرد باید به آن دست یابد، مثلاً در یک اندازه معین از خانواده، در محدوده‌ای که جامعه یا جامعه به آن نیاز دارد، تعیین می‌کند. در چارچوب چنین روابط نهادی، جامعه یا محیط اجتماعی خاصی که فرد در آن زندگی می‌کند باید به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی- روانی و همچنین بوم شناختی در نظر گرفته شود، زیرا چنین پدیده‌ای صرفاً یک واقعیت فیزیکی نیست، بلکه در واقع پدیده‌ای مبتنی بر ذهنیت‌ها (عبدالملکی، ۱۳۷۹: ۹۴). بنابراین برای فهم و دستیابی دقیق به عوامل مداخله‌گر در تعیین عوامل مؤثر بر باروری حتی می‌بایستی به ذهنیات جامعه آماری موردنظر توجه داشت و نبایستی تنها از بعد محسوس به مسئله نگریسته شود.

بند هشتم: مدل متغیرهای بینابین

کینگزلی دیویس و «جودیت بلیک»^۱ الگویی را که دربرگیرنده متغیرهای مؤثر بر باروری است، ارائه داده‌اند که به‌اختصار به بیان آن می‌پردازیم. این مدل که به مدل متغیرهای بینابین معروف است دارای سه قسمت عمده است:

۱. عوامل مؤثر بر «رابطه جنسی» در دوران باروری. این متغیرها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: الف- عواملی که باعث شکل‌گیری یا ازهم‌پاشیدگی ازدواج می‌شوند، سن ازدواج، میزان تجرد دائم و میزان طلاق مهم هستند. ب- آن دسته از عواملی که در زمان زندگی زناشویی مؤثرند، مانند: (ترک اختیاری، ترک غیرارادی به دلیل بیماری یا جدایی کوتاه‌مدت و تعدد آمیزش). ۲. دسته دوم متغیرهای میانی، عواملی هستند که بر انعقاد اسپرم تأثیر

می‌گذارند (متغیرهای مربوط به انعقاد اسپرم مانند باروری، استفاده یا عدم استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری یا عقیم‌سازی). ۳. دسته سوم عواملی هستند که بر بارداری در دوران بارداری تأثیر می‌گذارند، مانند سقط جنین ناخواسته و سقط عمدی. مدل فوق عوامل میانی را به سه گروه تقسیم می‌کند که به راحتی می‌توانند بر سه قسمت مختلف مرحله تولیدمثل تأثیر بگذارند.

۱- نظریه ایده آلیسم توسعه

یکی دیگر از تبیین‌های ایده‌ای نظریه ایده آلیسم توسعه است (تورنتون، ۲۰۰۱). در این نظریه بر اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیزاسیون در سطح جهان به عنوان عاملی مهم در تغییرات ارزشی و رفتاری تأکید شده است. بر اساس این دیدگاه در چند قرن گذشته، ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت به عنوان یک آرمان بشری مطلوب در سراسر جهان مقبولیت یافته و به شکل مجموعه‌ای از ایده‌ها که به عنوان ایده آلیسم توسعه مطرح است، در تمام مناطق دنیا نشر پیدا کرده است. این مجموعه ایده‌ها به این شرح است: ۱. جامعه مدرن جامعه‌ای خوب و قابل حصول است. ۲. خانواده مدرن، خانوادگی خوب و قابل حصول است. ۳. خانواده مدرن و جامعه مدرن ارتباط متقابل دارند و لازم و ملزوم یکدیگرند. ۴. انسانهای مدرن آزاد و برابرند و روابط اجتماعی، مبتنی بر توافق و اجماع است.

این مجموعه از ایده‌ها و نگرش‌ها آرمان‌هایی را ایجاد می‌کند که باعث تغییر در نگرش و رفتار افراد می‌شود. هر جا که عناصر آرمان‌گرایی پذیرفته شده و به سمت توسعه گرایش پیدا کرده‌اند، تغییراتی در رفتارهای مربوط به خانواده و باروری مشاهده شده است و مسائلی مانند افزایش استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، پذیرش خانواده‌های کوچک‌تر، افزایش سن ازدواج و برابری جنسیتی بیشتر مشاهده شده است. علت این است. در مناطقی که در برابر آرمان‌گرایی رشدی مقاومت کرده‌اند، الگوهای سنتی و اشکال رفتارهای خانوادگی و باروری دیده می‌شود. تورنتون توضیح می‌دهد که ایده‌آل‌گرایی رشدی عامل مهمی در تأثیرگذاری بر سیاست‌های کنترل جمعیت و باروری و همچنین باورها و رفتارهای مهم در سراسر جهان است. بر اساس این دیدگاه، جهان مجموعه‌ای ایستا نیست، بلکه پویا و در حال تغییر از سنتی به

مدرن است و مردم بر اساس شرایط موجود و انتظارات خود از شرایط آینده تصمیم گیری می کنند. ایده آلیسم توسعه می گوید که جامعه شهری مدرن با سطوح بالای تحصیلات، ثروت و سلامتی خوب و در دسترس است. روابط شخصی و خانوادگی مرتبط با مدرنیته مانند فردگرایی، استقلال جوانان، ازدواج مسن تر، باروری کنترل شده و نرخ باروری پایین خوب هستند.

ایده آلیسم توسعه به مردم می گوید که رفتار و خانواده مدرن، توسعه اقتصادی و اجتماعی را تسهیل می کند و توسعه اقتصادی و اجتماعی به ایجاد یک نظام جمعیتی - خانوادگی مدرن کمک می کند. مردم حق دارند آزاد و برابر باشند. آزادی، برابری و استقلال در چارچوب آرمان گرایی توسعه، مشابه ارزش هایی است که در چارچوب نظریه گذار جمعیتی به عنوان عوامل مهم خانواده و تغییرات جمعیتی مهم هستند (تورنتون و همکاران، ۱۳۹۱: ۷، به نقل از رازقی، ۱۳۹۳). به طور کلی تصمیمات و رفتارهای باروری نه تنها تحت تأثیر عملکرد کنشگران منطقی در منظر ساختاری و افزایش تحصیلات و مشارکت زنان در بازار کار است، بلکه می تواند ناشی از تغییر نگرش و ارزش های افراد نسبت به تشکیل خانواده یا فرزندآوری باشد. به گفته اکسین و یابیکو (۲۰۰۱)، عوامل و ایده های فرهنگی تمایل به بچه دار شدن را شکل می دهند، در حالی که عوامل اجتماعی - اقتصادی محدودیت هایی ایجاد می کنند. در واقع خواسته ها و محدودیت های فرزندآوری دست به دست هم می دهند.

۲- نظریه جریان ثروت کالدول

به نظر می رسد فاصله اجتماعی بین افراد یکی از مؤثرترین موانع تبادل افکار و تمایلات جدید باشد. چه گرایش ها و ایده هایی باید افراد را تشویق کند تا در تعداد فرزندان که باید داشته باشند تجدیدنظر کنند؟ به نظر می رسد پاسخ در تغییر ارزش هایی است که افراد در مورد بچه دار شدن دارند. در جوامع ساده و سنتی کشاورزی و دامپروری، سقفی برای تعداد فرزندان مقرون به صرفه اقتصادی وجود ندارد (کالدول، ۱۹۷۶: ۳۲۵).

فرزندان در طول زندگی خود منبع درآمد و حمایت والدین خود هستند. در جوامع ابتدایی و ساده، کودکان بیش از آن که هزینه کنند به والدین کمک می کنند. به گفته کالدول، جریان

ثروت از فرزندان به سمت والدین است. اما روند مدرنیزاسیون در نهایت منجر به فروپاشی خانواده گسترده می‌شود. در روند نوسازی خانواده، هسته کوچک جایگزین خانواده بزرگ می‌شود. در دوران مدرنیزه شدن جامعه، هزینه فرزندان برای والدین افزایش می‌یابد، زیرا اکثر کودکان به جای کار به مدرسه می‌روند و ارزش اقتصادی فرزندانشان کاهش می‌یابد. دلیل زندگی به بچه‌دار نشدن حکم می‌کند. اما در دنیای واقعی، افراد به دلایل مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی به بچه‌دار شدن و تربیت آنها ادامه می‌دهند (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸). بوئر (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که معکوس شدن جریان ثروت بین نسل‌ها نرخ زادوولد را کاهش می‌دهد، اما خود این معکوس کردن، از دیدگاه کالدول، تنها پس از یک دگرگونی فرهنگی امکان‌پذیر است. ثالثاً، گذار جمعیتی به مقاومت کم‌ویش جامعه سنتی در برابر این تغییر فرهنگی بستگی دارد، اما علاوه بر عامل فرهنگی مؤثر بر محدودیت ابعاد خانواده، عوامل دیگری نیز در طی این محدودیت در جهت توسعه اقتصادی عمل می‌کنند که عبارت‌اند از: به طور خلاصه: از: مشکلات زندگی شهری که هر روز با توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد، روی آوردن به مشاغل غیر خانوادگی (صنعتی در مقابل زندگی روستایی)، تمایلات اقتصادی والدین نسبت به فرزندان در نتیجه افزایش سطح درآمد و گسترش آن. خدمات تأمین اجتماعی و غیره (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۵)

بند نهم: تقسیم‌بندی‌های مؤثر بر باروری

۱- تقسیم‌بندی K.A.P

دستورالعمل انجام مطالعات K.A.P^۱ عوامل مؤثر بر باروری را به دودسته تقسیم می‌نماید که شامل عوامل اولیه و عوامل ثانویه است. عوامل تأثیرگذار اولیه شامل: آموزش، تعداد فرزندان زنده، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و نوع کار همسر هست. عوامل تأثیرگذار ثانویه، بخشی از آنها شامل: بعد خانواده (هسته‌ای و گسترده)، نوع ازدواج (یک همسری و چندهمسری)، پایداری ازدواج، سن اولین ازدواج، تفاوت سنی زوجین و... است (کریمی، ۱۳۷۸: ۹۴).

۲- تقسیم‌بندی عوامل باروری به غیرارادی و ارادی

به‌طور کلی می‌توان عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر در باروری را به ترتیب زیر طبقه‌بندی کرد.

اول: عوامل مستقل و غیرارادی که به طور مستقیم در باروری مؤثرند عبارت‌اند از:

الف- محیط اجتماعی و فرهنگی: سنت‌ها، سیستم ارزش‌ها، مذهب، مفهوم خانواده، سیستم خویشاوندی و وضع اجتماعی و اقتصادی. ب- همبستگی زوجین با محیط اجتماعی و فرهنگی: درآمد، تحصیلات، تحرک اجتماعی و جغرافیایی و شغلی. ج- وضع زوجین: حسن تفاهم یا عدم تفاهم میان زوجین، چگونگی ارضای جنسی و سبک زندگی. د- وضع هر یک از زوجین: ذکاوت و هوش، احتیاجات عاطفی، ترس از زایمان و حس استقلال‌طلبی زن در برابر شوهر. ه- مفهوم خانواده ایده‌آل: چگونگی تشکیل و ترکیب آن.

دوم: عواملی ارادی که در باروری مؤثرند، عبارت‌اند از:

الف- عوامل متغیر جمعیتی: سن مادر و پدر، وضع تأهل فعلی و یا قبلی، طول دوره ازدواج، تعداد فرزندان، فاصله میان ازدواج و تولد نخستین فرزند، فواصل میان فرزندان و میزان مرگ‌ومیر نوزادان ب- آشنایی با وسایل جلوگیری از باروری. ج- خواست جلوگیری از باروری. د- تأثیر بکار بردن این وسایل (بهنام، ۹۰: ۱۳۷۸-۹۲)

۳- دسته‌بندی عوامل باروری به عوامل بینابین و عوامل اجتماعی - اقتصادی

اول: عوامل بینابین شامل: الف- موقعیت اجتماعی ب- تحرک اجتماعی ج- تحصیلات د- اعتقادات مذهبی و اخلاقی ه- درآمد و محل سکونت شهری و روستایی و- اشتغال زنان.

دوم: عوامل اجتماعی مانند شغل و تحصیلات و عوامل اقتصادی مانند درآمد، هزینه زندگی و ثروت خانواده (عرفانی، ۲۱: ۱۳۹۳).

۴- دسته‌بندی عوامل باروری به عوامل بیولوژیکی و عوامل اجتماعی - اقتصادی

سطح باروری یک جامعه مستقیماً توسط مجموعه‌ای از متغیرهای میانی تعیین می‌شود که در شرایط بیولوژیکی تولد دخالت می‌کنند، چه به‌عنوان بخشی از اراده انسان یا در نتیجه

عملکردهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی. هر تغییر اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی از طریق تغییر در یک یا چند متغیر بیولوژیکی بر باروری تأثیر می‌گذارد. برای توضیح اثرات بیولوژیکی و رفتاری بر باروری، آنها را به دو بخش تقسیم می‌کنیم: بخش اول شامل متغیرهای زیستی، به‌ویژه آنهایی است که در جوامعی که زایمان با این عوامل مرتبط است، تأثیر مستقیم بر فرزندان دارند، مانند سن ازدواج و زایمان. باروری با شیردهی مرتبط است.

بخش چهارم: بررسی عوامل اجتماعی

آموزش: یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تحولات اقتصادی و اجتماعی در چند دهه اخیر در ایران که پیامدهای مهمی بر روابط خانوادگی داشته است، توسعه آموزش عمومی به‌ویژه برای زنان بوده است. آموزش یکی از مهم‌ترین عواملی است که نقش آن در تبیین تحولات خانواده و باروری بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. توسعه آموزش از یک سو می‌تواند شرایط ساختاری زندگی خانوادگی و روابط بین اعضای خانواده را تغییر دهد و با سوق دادن افراد به سمت تحرک اجتماعی روبه‌بالا و ایجاد ثروت، انگیزه خانواده‌های پرجمعیت و فرزندان بزرگ را کاهش دهد (واینبرگر، ۱۹۸۷). آموزش همچنین ممکن است فرصت و هزینه‌های مالی تربیت فرزندان را افزایش دهد و درعین حال مزایای اقتصادی آنها را کاهش دهد. نتیجه مستقیم این تغییر در جریان ثروت بین‌نسلی و کاهش تقاضا برای کودکان خواهد بود (کالدول، ۱۹۸۲). از سوی دیگر، آموزش مهم‌ترین کانال تغییر نگرش نیز هست، یعنی با آگاه‌سازی افراد از ایده‌ها و اطلاعات جدید، هم می‌تواند راه را برای تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها هموار کند و هم مستقیماً به سمت ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها برود. خانواده‌های کوچک‌تر را تشویق کنید و فارغ‌التحصیلان را در معرض مجموعه‌ای از ایده‌ها و باورها در مورد مزایای خانواده مدرن غربی نسبت به سایر اشکال خانواده قرار دهید (کالدول، ۱۹۸۲، و تورن، ۲۰۰۱). مستقیماً روی زوجها تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین انتظار می‌رود رشد آموزش در ایران چنین تأثیراتی کم‌وبیش ملموس داشته باشد (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۰).

عامل دیگر این است که زنان تحصیل‌کرده فرصت‌های شغلی پیدا می‌کنند و اشتغال باعث کاهش باروری می‌شود. در نهایت، آموزش باعث تغییرات و دگرگونی‌های فردی در برخی

اندیشه‌ها می‌شود و باعث می‌شود که فرد نگرش‌های جامعه سنتی موافق تولد و موافق با تنظیم خانواده را کنار بگذارد. ارتقای سطح تحصیلات و توجه بیشتر به مدارس تأثیرات شدیدتری نسبت به شهرنشینی در کاهش باروری دارد. در کنار صرفاً بالابردن سطح زندگی افراد، نیروی محرکه‌ای برای کنترل نرخ زادوولد وجود دارد که آن آموزش است (منظوری سلمانی، ۱۳۷۳: ۵۴).

تأثیر آموزش از طریق متغیرهای وابسته بر باروری را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

- تأثیر آموزش بر تقاضا، عرضه فرزند و عوامل تنظیم باروری.

آموزش با احساس هزینه‌ها و مزایای متغیر داشتن یک فرزند اضافی و توانایی استطاعت مالی آنها و همچنین با تغییر ترجیحات که بر اندازه مطلوب خانواده تأثیر می‌گذارد، بر تقاضای فرزندآوری تأثیر می‌گذارد.

آموزش با افزایش روابط زن و شوهر، افزایش دانش پیشگیری از بارداری و تغییر دیدگاه در مورد پیشگیری از بارداری در تنظیم باروری مؤثر است. یکی از پیامدهای افزایش جمعیت در کشور ما افزایش تعداد افراد در سنین مدرسه و در نتیجه افزایش تقاضا برای امکانات آموزشی است. در کشور ما حدود ۳۰ درصد جمعیت در سن مدرسه هستند.

مکان: یکی دیگر از عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری، مکان است. اینکه زن و شوهر در شهر یا روستا زندگی می‌کنند می‌تواند بر تعداد فرزندان و تعداد خانواده آنها تأثیر بگذارد. یکی از ثابت‌ترین دلایل تفاوت در باروری، سکونت است. شهرنشینی همیشه با باروری کمتر همراه است، به‌ویژه با ایجاد شرایط زندگی که کمتر برای گسترش خانواده مساعد است. همچنین مسلم است که فرصت‌های بیشتری برای ارتقاء و تحرک اجتماعی در شهر وجود دارد. در درون جامعه تفاوت‌های فراوانی وجود دارد، توزیع افکار و الگوهای فرهنگی گسترده‌تر است و همه شرایط مساعد برای افراد فراهم می‌شود تا در زمینه آنچه که مربوط به زندگی و زندگی است، حالات روانی خردمندانه داشته باشند (پرسا، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

ناهنجاری‌های مادرزادی در جوامع شهری دارای معلولیت مجموعه‌ای از عوامل شکل‌دهنده شیوه جدید زندگی و تمدن است. در مناطق شهری، کنترل و تنظیم تولید نسل و تشکیل

خانواده، نتیجه عقل‌گرایی اقتصادی و استدلال عقلانی است که عناصر اساسی آن رهایی از قیود سنت‌های قدیمی، میل به تحلیل پیامدها و احساس فردی و اجتماعی است. مسئولیت؛ بنابراین افزایش تولید نسلی و رشد سریع جمعیت در جوامع روستایی ناشی از عوامل مختلفی از جمله پیروی از آداب و سنن قدیمی، تسلط کامل فرزندان ذکور، جهل و بی‌سوادی، فقر و کم‌تحرکی اجتماعی و اقتصادی افراد است. از سوی دیگر، در جوامع شهری، مردم در انتخاب راه‌ها و آداب‌ورسوم فردی و اجتماعی خود آزادی بیشتری دارند (منظوری، ۱۳۷۳: ۵۶).

نرخ باروری در مناطق شهری به طور قابل توجهی کمتر از نرخ باروری در مناطق روستایی است و بررسی‌های جمعیتی در ایران نیز نشان می‌دهد که بین تعداد تولدهای زنده یک زن در جوامع شهری و روستایی بین ۱.۵ تا ۲ فرزند در دوره باروری تفاوت وجود دارد. این امر نشان می‌دهد. برخی از کارشناسان این موضوع را مساوی برابری بیشتر زن و مرد از نظر تصمیم‌گیری می‌دانند و برخی دیگر آن را به مشکلات زندگی شهری نسبت می‌دهند. برخی نیز معتقدند روحیه و طرز فکر خاصی در شهرهای بزرگ شکل می‌گیرد که مخالف تولید نسل بیشتر است (زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۲).

بند اول: تحرک اجتماعی

طبقات پیشرفته (و در نتیجه آنهایی که از رفاه بیشتری برخوردارند و دارای تحصیلات عالی هستند) اولین کسانی هستند که باروری را محدود می‌کنند و این اولویت در محدود کردن موالید در درجه اول به دلیل ارتباط بین سطح اجتماعی است و سطح باروری برای مدت طولانی تقریباً عالی بوده است. با بهبود وضعیت اجتماعی، نرخ باروری کاهش می‌یابد، اما وقتی وضعیت در چند دهه اخیر بررسی می‌شود، مشخص می‌شود که به دنبال تحرک بر اساس کاهش در طبقات اجتماعی پایین، بازگشتی در گروه‌های اجتماعی بالاتر وجود دارد. سطح عمومی در همه موارد کاهش نشان می‌دهد (معزی، ۱۳۸۱: ۱۲۵).

اغلب در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود که باروری در میان طبقات پایین‌تر است. در واقع وجود همبستگی منفی بین باروری و طبقه یا موقعیت اجتماعی، قدرت جمعیتی را در میان طبقات پایین افزایش داده است. تحولات اقتصادی و اجتماعی ناشی از صنعتی شدن منجر به

تفاوت در باروری طبقه بالا و متوسط اجتماعی - اقتصادی شده و افزایش امکانات فردی برای پیشرفت و توسعه اجتماعی باعث افزایش اندازه خانواده در بخش بزرگی از جمعیت شده است. هنگامی که نرخ زادوولد در اواخر قرن نوزدهم شروع به کاهش کرد، رابطه بین باروری و وضعیت اجتماعی - اقتصادی آشکارتر شد، مرزهای خانوادگی بین طبقات بالا و متوسط گسترش یافت، اما طبقه کارگر و دهقانان بر تعداد خانواده خود افزودند. ادامه (منظوری، ۱۳۷۳: ۳۴). بررسی های جامعه شناسی نشان می دهد که تغییر در موقعیت اجتماعی و جایگاه خانوارها به ویژه زنان در جوامع مختلف، نرخ باروری را تغییر می دهد، زیرا این تغییر طرز تفکر را تغییر داده و در نتیجه آینده نگری و عقلانیت فردی را در زندگی مادی توانمند می سازد و قوی می کند. بررسی روند جمعیتی جوامع مختلف و یا مقایسه طبقات شغلی و اجتماعی کنونی در جوامع ادعای فوق را اثبات می کند (آقاجانیان، ۱۳۸۲: ۳۲۱).

بند دوم: موقعیت زن در خانواده

موقعیت زنان از نظر باروری نیز عاملی قوی است. در بسیاری از جوامع باستانی، جایگاه زن بسیار پایین است. عدم دسترسی به کار خارج از خانه و نداشتن منبع درآمد مستقل، زنان را چاره ای جز تقویت موقعیت و امنیت اجتماعی خود تنها از طریق مادر فرزندان زیاد که در آن داشتن فرزند پسر ارجحیت دارد، باقی نمی گذارد. در هند، زنان در شالیزارها و حتی در کارهای ساختمانی کار می کنند. اما در بنگلادش، زنان تنها در صورتی بیرون از خانه کار می کنند که نیازهای فوری آنها را مجبور به انجام این کار کند. زنان معمولاً به هیچ جامعه مذهبی، سیاسی و اجتماعی تعلق ندارند. آنها از نظر مالی کاملاً به شوهر وابسته هستند و تنها راهی که می توانند موقعیت کسب کنند، داشتن یک پسر است. حتی ازدواج نیز تضمینی برای امنیت اجتماعی و اقتصادی زن نیست (به نقل از هریسون، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

بند سوم: سیستم خانواده

سیستم خانواده های رایج یا گسترده در بیشتر فرهنگ های آسیایی باعث باروری بالا می شود. در چنین خانواده هایی زوجین نسبت به خود و فرزندان خود احساس مسئولیت نمی کنند و در چنین جوامعی هیچ مشکل اقتصادی و مانعی برای ازدواج در سنین پایین وجود ندارد و اقامت

در خانواده بزرگ‌تر تأیید می‌شود. در چنین خانواده‌هایی، ثروت و دارایی متعلق به جامعه است و مشترک است. برعکس، در نظام اصلی خانواده، افراد مستقل و متکی به خود هستند و نسبت به آینده خود و فرزندانشان مسئولانه عمل می‌کنند (فرزانه، ۱۳۷۳: ۸۲).

انتظار می‌رود بین بعد خانوادگی والدین زوج از یک سو و باروری خانواده از سوی دیگر رابطه مثبت وجود داشته باشد. خانواده‌های بزرگ تا حد زیادی رفتار و الگوی باروری خود را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. از سوی دیگر، افراد تحت تأثیر ارزش‌ها و نگرش‌های خانوادگی نیز قرار می‌گیرند. همان‌طور که فریدمن و گلدبرگ در تحقیقات تجربی خود نشان داده‌اند که گروه مرجع مکانیسمی است که در آن ویژگی‌های گروهی بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارد، بنابراین والدین زوج‌ها به‌ویژه والدین زن می‌توانند به‌عنوان گروه مرجع بر رفتار باروری او تأثیر بگذارند. (۱۳۷۳: ۸۸).

بند چهارم: اشکال غالب مربوط به بعد خانوار

هر جامعه‌ای نسبت به بعد خانواده نرمش خاصی دارد. هنجارهای حاکم بر بعد خانواده در یک جامعه نشان‌دهنده تعداد فرزندان است که زوجین باید داشته باشند یا تعداد فرزندان که داشتن آنها از نظر اجتماعی مناسب است. باید در نظر داشت که همیشه فشار گروهی شدیدی بر افراد جامعه برای بچه‌دار شدن وجود دارد و اخیراً و اخیراً برخی جوامع بدون توهین کامل به زنی که بچه‌دار نمی‌شود نگاه می‌کنند. همچنین اگر مردان بچه‌دار نشوند، این موضوع از سوی جامعه به‌عنوان عدم مردانگی آنها تلقی می‌شود. به‌طور کلی، تعداد فرزندان از نظر اجتماعی مشخص نیست و هنجار حاکم در جامعه معمولاً با شرایط و ضوابط کلی بیان می‌شود که از «حداقل دو فرزند» تا حداکثر «تاحدامکان» متغیر است. باین حال، تمایل به داشتن حداقل یک پسر، به‌طور صریح یا ضمنی وجود دارد. (تیلور،^۱ ترجمه، پور انصاری ۱۳۸۰: ۹۵).

بخش پنجم: بررسی عوامل فرهنگی

در ابتدا تصور می‌شد که انتقال جمعیت ناشی از توسعه اقتصادی و اجتماعی است، بنابراین در نظریه سنتی انتقال جمعیت به عوامل فرهنگی توجه نمی‌شد. مطالعات متعدد و دقیقی که در

^۱ Teylor

کشورهای مختلف انجام شد، مشخص شد که ارزش ها و هنجارهای فرهنگی نقش مهمی در انتقال جمعیت در کشورهای مختلف داشته است. فرهنگ جامعه را می توان یکی از عوامل تعیین کننده و هدایت کننده انتقال جمعیت دانست. در نتیجه، برنامه های تنظیم خانواده زمانی موفق خواهند بود که به موانع ارتباطی، به ویژه موانع فرهنگی نفوذ کنند (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸).

آداب و رسوم و محیط اجتماعی و فرهنگی به طور کلی در تعیین باروری نقش اساسی دارد. مثلاً در برخی جوامع بیوه اجازه ازدواج مجدد ندارد و در برخی جوامع بیوه مجبور به ازدواج با برادر شوهر خود می شود یا مردی که همسرش فوت کرده است مجبور است با خواهر خود ازدواج کند که در این صورت به دلیل افزایش سن یکی از طرفین باروری کاهش می یابد. همچنین در برخی از جوامع مرد تا مدتی پس از زایمان حق رابطه جنسی با زن را ندارد که این امر در کاهش باروری مؤثر خواهد بود. عوامل فرهنگی مانند سایر عوامل در شکل گیری تعداد و الگوی منطقه ای یک جمعیت مهم هستند. از جمله این عوامل، فهرست دقیقی از اعمال و عادات غیراقتصادی است که مختص فرهنگ خاصی است و بر تعداد تولدها تأثیر می گذارد. برای مثال انتخاب همسر و آداب و رسوم زناشویی را می توان از عوامل تعیین کننده و عمده در باروری دانست. این آداب عبارتند از: سن مطلق و نسبی زوجین در زمان عقد، میزان علاقه به مجرد یا اجتناب از آن، رواج تعدد زوجات در مقابل مجرد (عرف تعدد زوجات در مقابل ازدواج مجرد)، آداب و رسوم مربوط به طلاق یا ازدواج مجدد زنان بیوه، جهیزیه و آداب جهیزیه، چارچوب نهادی برای ازدواج (ازدواج مدنی در مقابل زندگی مشترک طولانی مدت در خانواده، اعتقاد به ارزش نسبی دختران، فصول و ماه های خاص در آزادی، یا پرهیز از رابطه جنسی، تعداد مورد نظر کودکان و فاصله تولد آنها از دیدگاه اجتماعی و کیفیت پرداختن به موضوع تولد غیرقانونی) (ترجمه زلینسکی،^۱ جمالی: ۶۳-۶۴). استقلال زنان به عنوان یکی از شاخص های فرهنگی رابطه معکوس با باروری آنها دارد، در حالی که در رابطه با شاخص

تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری مشارکتی زوج‌ها در مسائل مختلف خانوادگی منجر به باروری پایین و افزایش استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری می‌شود. نتایج کلی نشان می‌دهد که زنان مستقل بیشتری باروری کمتری را تجربه کرده‌اند (عباسی شوازی و علی ماندگاری، ۱۳۸۹).

بند اول: ترجیح جنسی

بی‌شک ترجیح جنسی ریشه در مبانی و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه دارد. اصولاً در جامعه‌ای که مثلاً پسر به دلایل مختلف از جمله تأمین منافع اقتصادی و سودآوری، مؤسس و تداوم‌دهنده نام خانوادگی و زندگی محسوب می‌شود، شرایط مساعدی برای همسران آنها به وجود می‌آید تا احساس ناچاری به زایمان کنند. پسر داشتن (فروتن، ۱۳۸۱: ۵۲).

در بسیاری از جوامع در حال توسعه، این بحث مطرح می‌شود که به طور سنتی به دوران پسری بر دختر بودن ارجحیت داده شده است. به عبارت دیگر، چنین استنباط می‌شود که در چنین جوامعی، پسران به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی، سود خالص بیشتری نسبت به دختران دارند. در چارچوب چنین منطقی عوامل سودمندی مانند کمک به فعالیت اقتصادی خانواده یا به‌عنوان تأمین مالی در دوران پیری یا بیماری، سودمندی برای تداوم نام خانوادگی و یا سودمندی در انجام برخی مراسم مذهبی وجود دارد. دلایل هر چه که باشد، مهم این است که خانواده‌ها برای رسیدن به هدف خاصی در رابطه با داشتن فرزند پسر تلاش کنند؛ بنابراین، هر چه خانواده زودتر به این هدف دست یابد، زودتر می‌تواند در زمینه پیشگیری از بارداری اقدام کند و به نظر می‌رسد باید بین تمایل به فرزند بیشتر و ترکیب جنسی فرزندان موجود رابطه معناداری وجود داشته باشد (سیفی، ۱۳۸۳: ۲۰).

در کشور ما پسر داشتن هنوز از ارزش ویژه‌ای برخوردار است و در اعماق آرزوی خانواده‌ها تمایل به تحسین و رضایت از تولد پسر وجود دارد. شاید مهم‌ترین دلیل، تداوم نسل از طریق پسر باشد. از قدیم‌الایام نسل از پدر به پسر می‌رسید و اکنون این امر نه تنها از بین نرفته بلکه جنبه قانونی نیز به خود گرفته است و اگر زن و شوهری تنها یک دختر داشته باشند پس از آن اثری از نام خانوادگی پدر باقی نمی‌گذارند. ازدواج. ماند (امانی، ۱۳۸۱: ۱۲).

یکی دیگر از عواملی که ترجیح جنسی پسر را تشویق می کند، جنبه اقتصادی آن است، به ویژه در جوامع کشاورزی، جایی که پسر به عنوان بازوی کار در تولید خانواده دیده می شود. در حالی که معمولاً یک دختر از چنین امتیازی برخوردار نیست، مخصوصاً بعد از ازدواج که به خانواده دیگری می پیوندد. از سوی دیگر در جامعه ما معمولاً پسر است که در سنین پیری از والدین مراقبت می کند تا دختر. مجموعه این عوامل نشان دهنده برتری پسر در بین مردم است (منظوری، ۱۳۷۳: ۳۸).

بند دوم: باورهای مذهبی

وابستگی مذهبی و دیداری (به عنوان عوامل فرهنگی) کمتر (حداقل در ایران) در بررسی مسائل جمعیت شناختی به ویژه باروری مورد توجه قرار گرفته است. تفاوت در باروری ناشی از باورهای مذهبی را می توان با پابندی به ارزش های (مذهبی و غیر مذهبی) گروه درونی در مقابل گروه بیرونی توضیح داد (محمودیان و نوبخت، ۱۳۸۹). وابستگی مذهبی عامل تفاوت زیادی در باروری است. بدون شک در کشورهایی که چندین گروه مذهبی با هم زندگی می کنند، نوعی سلسله مراتب باروری ظاهر می شود که تقریباً ثابت است. از سوی دیگر، محققانی مانند وستوف (۱۹۵۹) بدون شک می توانند بر اساس تحقیقات خود تحت عنوان مطالعه باروری در پرینستون بنویسند:

«وابستگی مذهبی در قالب اعتقاد به پروتستان، کاتولیک یا یهودیت، در میان همه ویژگی های اجتماعی آن، نوعی وابستگی است که بیشترین تأثیر را بر باروری دارد» (پرسا، ۱۳۸۰: ۷۱). تأثیر دین به ویژه بر وضعیت کاتولیک ها در جلوگیری از باروری بسیار جالب است. تنها وسیله ای که کلیسای کاتولیک برای مهار آن پذیرفته است، «پرهیز دوره ای» است که به «روش یوجین» معروف است. در اسلام هر عملی قبل از تشکیل نطفه مجاز است. البته اسلام و کاتولیک با پذیرش مشیت الهی و استناد به اراده خداوند یا طبیعت، تولد فرزند را داوطلبانه می پذیرند. از سوی دیگر کلیسای پروتستان بین ثروت و فرزند یکی را انتخاب می کند. در مورد قوم یهود، به نظر می رسد که آنها از عوامل بازدارنده استفاده می کنند. بنابراین می توان گفت که بین ادیان مختلف در زمینه باروری و پیشگیری تفاوت وجود دارد (محمودیان و

نوبخت، ۱۳۸۹).

بخش ششم: عوامل اقتصادی مؤثر بر باروری

درآمد: خانواده‌هایی که درآمد بیشتری دارند و سطح تحصیلات بالاتری دارند، فرزندان کمتری دارند و این باعث می‌شود که آنها سالم باشند، سطح تولید خانواده آنها افزایش یابد و از این طریق پس انداز بیشتری داشته باشند و همچنان درآمد و تحصیلات بیشتری داشته باشند... بودن. کشورهایی که ثروت آنها به سرعت در حال افزایش است، نرخ رشد جمعیت کمتری دارند. این باعث می‌شود که پول بیشتری در کار تولیدی سرمایه گذاری و سرمایه گذاری شود. سرمایه گذاری در تولید بیشتر به نوبه خود ثروت ملی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، در میان کشورهای فقیرتر که تعدادشان زیاد است، خانواده‌ها درآمد اضافی برای سرمایه گذاری و افزایش درآمد ندارند. بنابراین هیچ عاملی وجود ندارد که باعث شود خانواده‌های ثروتمند فرزندان کمتری در خانواده‌های فقیر داشته باشند. از این رو، همچنان فرزندان زیادی دارند و فقیرتر و فقیرتر می‌شوند. (هریسون^۱، ۱۴۸:۲۰۰۲).

تاثیری که درآمد مردم بر تعداد فرزندان می‌گذارد به نظر نمی‌رسد به راحتی قابل درک باشد و این به مبهم‌ترین موضوع اقتصادی تبدیل شده است. اینکه آیا با افزایش درآمد، تعداد خانواده افزایش می‌یابد، آیا این تأثیر از نظر کمیت قابل توجه است، چه منبع درآمدی و چگونه بر تقاضای کودک تأثیر می‌گذارد، آیا درآمد دائمی یا گذرا افزایش می‌یابد و آیا نوع جامعه صنعتی است. یا اینکه سنتی بودن و شهری یا روستایی بودن نیز در این موضوع دخیل است یا خیر، همه و همه موضوعاتی هستند که در تبیین رفتار باروری و در رابطه با عامل درآمد مطرح می‌شوند (مهربانی، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

بند اول: تأمین اجتماعی

والدین برای پوشاندن بخشی از دغدغه‌های خود در دوران پیری فرزندان بیشتری به دنیا آوردند تا به قول قدیمی‌ها عصای خود را به دست آورند، اما ایجاد نظام بازنشستگی و بیمه

سالمندی برای همه فارغ از شغل دولتی و خصوصی. بخش، عوامل در ارضای تعداد بارداری بسیار موثر است. زیرا وجود این امنیت اجتماعی، توقع والدین از فرزندان را ناروا می سازد و خواسته های والدین را مستقل تر و منطقی تر می کند که در نتیجه تعداد فرزندان محدودتر می شود. همچنین می توان به والدین آموزش داد که کیفیت تحصیلات عالی برای فرزندان، آنها را به درجات تحصیلی و حداکثر عمر حدود ۸۰-۷۵ سال می رساند (فرزانه، ۱۳۷۸: ۸۶).

داشتن فرزندان زیاد هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی و سیاسی منطقی است. یکی از نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که داشتن فرزند زیاد تضمینی برای دوران پیری است. در کشورهای در حال توسعه، بودجه ای که صرف تأمین رفاه در دوران سالمندی یا بیکاری می شود، تنها ۵ درصد از کل درآمد ملی را تشکیل می دهد. در کشورهای اروپایی این رقم بیش از ۱۵ درصد است و این مبلغ بیشتر به بخش های مدرن و صنعتی اختصاص می یابد. داده می شود. نظرسنجی انجام شده در کشورهای آسیایی نشان می دهد که اکثر خانواده های طبقه متوسط در دوران سالمندی به کمک مالی فرزندان خود متکی نیستند، در حالی که ۶۲ تا ۹۰ درصد خانواده های فقیر شهری و روستایی در این زمینه به فرزندان خود وابسته هستند. ۶۰ درصد از روستاییان تایلند گفته اند که بچه دار شدن مزایای اقتصادی دارد و تنها ۱۴ درصد از آنها از رضایت، عشق و راهب داشتن صحبت کرده اند. (هریسون، ۲۰۰۲: ۲۶۲).

بخش هفتم: عوامل اجتماعی

این عوامل نیز به نوبه خود، تأثیرات زیادی بر سطح باروری در کشورهای مختلف می گذارند که با تغییر آنها، سطح باروری نیز دچار دگرگونی می شود. حال به شرح این عوامل می پردازیم.

بند اول: سن ازدواج

باروری تابعی از سن است. بعد از سن، وضعیت تأهل زنان عاملی است که باروری آنها را تعیین می کند. وضعیت تأهل به عنوان یک عامل تعیین کننده باروری آنقدر مهم است که بسیاری از معیارهای باروری به طور خاص در وضعیت تأهل محاسبه می شوند. طول دوره باروری محدود است و معمولاً بین سنین ۱۵ تا ۴۹ سالگی متفاوت است؛ بنابراین، "تعداد

سال‌هایی که یک زن در طول احیاء رابطه جنسی ثابتی را سپری می‌کند می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر باروری کلی داشته باشد. در جوامعی که کنترل باروری وجود ندارد. تا حد زیادی، الگوهای روابط جنسی باثبات، عوامل اصلی تعیین‌کننده باروری هستند (لوکاس و میر، ۲۰۰۲: ۸۹). همچنین درصد زنانی که مجرد قطعی انجام می‌دهند اثر کاهشی بر باروری دارد. یکی دیگر از محورهای تغییرات اخیر خانواده در ایران، افزایش سن ازدواج است. ازدواج در سنین بالاتر همیشه منجر به تأخیر در شروع فرزندآوری و کاهش توانایی باروری برای زنان می‌شود. از آنجایی که در الگوی سنتی خانواده در بسیاری از نقاط جهان از جمله آسیا یکی از اهداف اصلی و مهم ازدواج زود هنگام فرزندآوری بوده است (دومینگو و کینگ، ۱۹۹۲) افزایش سن ازدواج می‌تواند ترجمه‌ای از تغییر اهداف و تمایلات باروری باشد. همچنین بالارفتن سن ازدواج زنان ارتباط تنگاتنگی با کاهش ازدواج‌های ترتیب داده شده و افزایش توقعات آنان در فرایند انتخاب همسر و نیز تمایل بیشتر آنان به برابری با مردان در روابط زناشویی دارد. هر چه بیشتر ازدواج کنند، باروری کمتر می‌شود (صالحی، ۱۳۸۹: ۴۱).

بند دوم: ساختار خانواده

اساسی‌ترین تغییری که در ساختار و روابط خانوادگی اکثر نقاط جهان در چند دهه اخیر رخ داده است، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای است؛ بنابراین اندازه خانواده که در سال‌های اخیر در اکثر کشورها به تدریج کاهش یافته و یا در حال کاهش است، در جامعه و فرهنگ ایرانی به ویژه شهرهای بزرگ دیده می‌شود.

نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان داد که بعد خانوار کاهش یافته است. برخی کاهش بعد خانواده را دلیلی بر کاهش باروری می‌دانند، اما کاهش بعد خانوار تنها ناشی از کاهش باروری نیست، بلکه به عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز مربوط می‌شود؛ در حالی که این کاهش در بعد خانوار را به همراه دارد. به عنوان مثال، گذار از خانواده گسترده به خانواده اصلی تحت تأثیر نوسازی خانواده، بعد خانواده را کاهش می‌دهد. زوج‌های جوان امروزی تمایلی به زندگی با والدین همسر خود با تشکیل خانواده ندارند، در نتیجه میانگین تعداد افراد خانوار علاوه بر اینکه تحت تأثیر کاهش باروری قرار می‌گیرند، به دلیل

عوامل فوق نیز کاهش یافته است.

بند سوم: خانواده هسته‌ای

خانواده هسته‌ای یا خانواده زناشویی خانواده‌ای متشکل از یک زن و یک مرد با تعدادی فرزند مجرد است. در هسته خانواده حداکثر دو نسل وجود دارد و از نظر قدرت تصمیم‌گیری ممکن است مستقل، نیمه مستقل و وابسته به شبکه خویشاوندی و خانواده گسترده باشد. خانواده هسته‌ای خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

خانواده اصلی مشخصه جوامع صنعتی جدید است. به نظر می‌رسد تسلط آن از تحرک اجتماعی و همچنین از رشد فردگرایی ناشی شده باشد که در مالکیت، حقوق و خواسته‌های اجتماعی عموم مردم در مورد رفاه و رضایت فردی منعکس شده است. به گفته بیمن «خانواده هسته‌ای واحد بسیار مهمی از نظام اجتماعی در جامعه ایران است و نه تنها بخشی از ساختار عظیم جامعه، بلکه به عنوان چارچوبی جامع و پشتیبان اعضای آن محسوب می‌شود»؛ بنابراین به نظر می‌رسد در بین ایرانیان احساس تعلق به خانواده بیش از جایگاه فردی آنهاست. البته این بدان معنا نیست که آنها فاقد فردیت هستند. آنها هم به عنوان اعضای خانواده و هم به عنوان افرادی با حقوق فردی خود شناخته می‌شوند. در جایگاه خانواده وظایف و الزامات بین همه اعضا تقسیم می‌شود: حمایت عاطفی و مالی اعضای خانواده از یکدیگر و به شکل دیگری در صورت نیاز به صورت اعتبار (خوب) خانوادگی که اصلی‌ترین آن است. اولویت برای همه می‌آید. در مقابل، هر یک از اعضای خانواده می‌توانند از سایر اعضای خانواده انتظار تعهد یکسانی داشته باشند (بیمن، ۱۹۸۶). از سوی دیگر هسته اصلی خانواده گسترش نمی‌یابد زیرا فرزندان به محض رسیدن به سن قانونی و ورود به جامعه به عنوان عضوی فعال به دنبال اشتغال و تشکیل زندگی جدید و ایجاد خانواده‌های جدید و مستقل هستند. خانواده هسته‌ای به سه حالت می‌تواند وجود داشته باشد:

۱ - خانواده هسته‌ای یا خانواده زن‌وشوهری مستقل که در این حالت خانواده، تعهدات اجتماعی کمی نسبت به شبکه خویشاوندی دارد و خانواده دارای استقلال مالی است.

۲ - خانواده هسته‌ای که تحت انقیاد خانواده چندهمسری یا خانواده گسترده قرار دارد مانند حالاتی که یک مرد دارای چندین زن است و یا زن و شوهر، چند سال ابتدایی زندگی خود را به دلیل عدم استقلال مالی نزد خانواده زن یا شوهر زندگی می‌کنند.

۳ - خانواده هسته‌ای مهاجر که بیشتر به دلیل آنکه شغل مناسبی در محیط‌های کوچک وجود ندارد پس از ازدواج، زن و شوهر از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند. از نمونه‌های آن می‌توان حاشیه‌نشینی در شهرها را نام برد. چنین خانواده هسته‌ای فقط به لحاظ مکانی مجزاً زندگی می‌کند اما وابستگی‌های قبلی به خانواده پدر و مادری به شدت ادامه دارد.

بند چهارم: خانواده گسترده

خانواده گسترده یا خانواده توسعه‌یافته، خانواده‌ای است متشکل از یک زن و مرد اصلی، فرزندان متأهل و مجرد آنها، همسر و فرزندان، فرزندان متأهل و سایر بستگان و وابستگان. خانواده گسترده خانواده‌ای است که مبتنی بر وابستگی‌های نسبی و سببی است و شامل چندین گروه خونی و چند گروه زناشویی است. خانواده گسترده پس از ازدواج فرزندان خود را اسکان می‌دهند و گسترش آن به همین صورت است و بدین ترتیب ممکن است چندین نسل زیر یک سقف و در یک‌خانه مشترک زندگی کنند (وثوقی، نیک خلق، ۱۳۸۱: ۱۶۸) به این شکل از خانواده، والدین اصلی. مرکز ثقل خانواده را تشکیل می‌دهند و پسران و نوه‌ها و عروس‌ها از آنها اطاعت می‌کنند و اگر پدر و مادر به دلیل کهولت سن قادر به انجام وظایف سرپرستی نباشند، پسر بزرگ به‌جای آنها می‌نشیند.

دختران پس از ازدواج خانه پدری خود را ترک می‌کنند؛ بنابراین، خانواده بزرگ اغلب پدرانه هستند و به‌ندرت پیش می‌آید که داماد در خانه پدرشوهر زندگی کند. پدر نقش عمده‌ای در تربیت فرزندان دارد، دایره انتخاب همسر محدود و تعهدات اجتماعی بالاست. همچنین فرزندان غالباً شغل پدری را ادامه می‌دهند و خانواده وظایف زیادی بر عهده دارد و روش تولید خانواده و همکاری و مساعدت، اجتماعی کردن و فرهنگی کردن فرزندان، مراقبت از سالمندان و حمایت همه‌جانبه اعضا از جمله وظایف سنگین خانواده است. خانواده (همان، ۱۶۹).

بند پنجم: فردگرایی در خانواده

فردگرایی اصطلاحی است که در قرن نوزدهم ابداع شد. این اصطلاح به روش های بسیار متفاوتی ارزیابی شده است. از یک سو، وقتی فردگرایی با رهایی از اجبار اجتماعی و شرایط ظالمانه همراه است، معمولاً مثبت به تصویر کشیده می شود. از سوی دیگر، زمانی که فردگرایی از منظر جدایی از دیگران و فقدان احساس تعهد متقابل تلقی می شود، گاه با دید منفی به آن نگریسته می شود. به گفته گیدنز، امروزه مردم فرصت های بسیار بیشتری برای شکل دادن به زندگی خود دارند. پیش از این، آداب و رسوم تأثیر بسیار زیادی بر روند زندگی مردم داشت. عواملی مانند طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت و حتی اعتقادات مذهبی می توانند دروازه ها را به روی مردم ببندند یا باز کنند. به عنوان مثال، سنت حکم می کرد که خانه مکان طبیعی زن است. در گذشته هویت شخصی افراد در بستر جوامعی که در آن متولد شده بودند شکل می گرفت، اما در شرایط جهانی شدن، با فردگرایی جدیدی روبرو هستیم که در آن افراد مجبورند فعالانه خود را بسازند و هویت خود را بسازند. گیدنز با مقایسه خانواده های آسیای جنوبی در بریتانیا استدلال می کند که «نسل امروزی کودکانی که در خانواده های آسیای جنوبی در بریتانیا به دنیا می آیند در معرض دو فرهنگ بسیار متفاوت قرار دارند». در خانواده، والدین از آنها انتظار دارند که با هنجارهای همکاری، احترام و هماهنگی سازگار باشند. وفاداری خانواده در مدرسه انتظار می رود در محیطی اجتماعی پر از فردگرایی و رقابت به موفقیت تحصیلی دست یابند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۸).

بند ششم: جایگاه اجتماعی

به گفته وبر، «بین سازماندهی ساختارهای اجتماعی و ماهیت گرایش های فردی رابطه ای نظام مند وجود دارد». خواسته های انسان در درون جامعه شکل می گیرد. فرد با قرار گرفتن در متن جامعه خود، ارزش ها را درونی می کند، بنابراین نظم اجتماعی ریشه در سازماندهی جامعه، نگرش ها و ارزش های آن دارد. ناامیدی وبر از نظم در جوامع معاصر در این واقعیت نهفته است که وبر می ترسد با گسترش سریع بوروکراسی و عقل گرایی، نظم جدید خصلت قفس آهنین به خود بگیرد. با عقلانی شدن همه چیز در جامعه، هنجارها نیز جنبه عاطفی خود را از دست

می‌دهند و همه چیز وارد محاسبه عقلانی می‌شود و عنصر آزادی، اراده و ذهنیت فرد از بین می‌رود. برخی از نظریه‌پردازان ثروت را مهم‌ترین مزیت دانسته و معتقدند که قدرت و احترام دو فایده ثانویه است که از ثروت حاصل می‌شود. مارکس وبر، جامعه‌شناس، مخالف قشربندی مبتنی بر ثروت بود و قشربندی را بر اساس هر یک از مزایا جدا و مستقل می‌دانست. این نظریه ماکس وبر به نظریه طبقه‌بندی سه‌گانه معروف شد. طبقه‌بندی اصطلاحی در علم جامعه‌شناسی است که برای توصیف نابرابری‌های اجتماعی به کار می‌رود. طبقه‌بندی نابرابری‌های ساختاریافته بین گروه‌های مختلف مردم بر اساس مزایای اجتماعی مانند قدرت، ثروت و احترام است. سلسله‌مراتب پایگاه اجتماعی، نظام قشربندی را تشکیل می‌دهد. وبر به مارکس می‌پیوندد تا بر نقش اساسی نابرابری در توزیع ثروت، هم در شکل‌گیری گروه‌های پایه اجتماعی و هم در ایجاد سلسله‌مراتب کرامت اجتماعی که آن را مشخص می‌کند، تأکید کند. (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱).

بند هفتم: عدالت محیطی

عدالت محیطی به دنبال بهبود چشم‌انداز زندگی در محروم‌ترین مناطق است. عدالت منطقه‌ای تنها در صورتی محقق می‌شود که توزیع درآمد پاسخگوی نیازهای مردم باشد. ضرایب رشد بین منطقه‌ای را به حداکثر برسانید و در حل مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی مؤثر باشید. نگرش گذشته نسبت به توسعه و رشد اقتصادی منجر به شکل‌گیری نابرابری‌های فضایی در کشور شد. استراتژی مداخله دولت برای دستیابی به توازن منطقه‌ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشور را مجبور به کاهش نابرابری‌ها و برخورداری از مناطق محروم کرد. اصلاح قوانین و مقررات، رسیدگی به مناطق محروم و تمرکززدایی ناشی از وقوع جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و عدم برنامه‌ریزی منسجم و بلندمدت نتوانست نابرابری منطقه را کاهش دهد. بررسی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی تعیین وضعیت مناطق حاکی از وجود عدم تعادل منطقه‌ای است. از نظر تئوریک عدم تعادل منجر به استفاده ناکارآمد از فضا، جابه‌جایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف بین مناطق و توانایی‌های فیزیکی و ذاتی مناطق، اما نظام اقتصادی، تولید و مبادله و

سرمایه - محرومیت و ناهنجاری می شود. اجتماعی و کاهش انسجام ملی. با این حال، نابرابری های فضایی، نابرابری های منطقه ای را تشدید می کند. وجود نابرابری های فضایی که نقش بسیار مؤثری در نرسیدن به اهداف توسعه منطقه ای دارد، بیکاری، فقر، مهاجرت، اختلال در ساختار جمعیت و اشتغال، بروز نابسامانی ها و انحرافات اجتماعی، تضعیف وحدت و انسجام ملی و تخریب محیط زیست در کشور دنبال کرد. دیوید هاروی می گوید: «توزیع عادلانه در سطح منطقه ای منجر به توزیع عادلانه بین افراد می شود». وی ماهیت عدالت اجتماعی را با استفاده از سه معیار نیاز، منافع عمومی و استحقاق توصیف می کند و معتقد است که ترکیبی از آنها را می توان برای تخصیص منابع به مناطق و سنجش عدالت منطقه ای با مقایسه تخصیص فعلی با تخصیص فرضی به کار برد (هاروی، ۱۳۸۶: ۹۹).

بخش هشتم: خلاصه چارچوب نظری پژوهش

همان طور که گفته شد، لیبن اشتاین معتقد است که سود یا ضرر اقتصادی فرزندان عاملی است که باعث می شود والدین تصمیم بگیرند که چند فرزند داشته باشند؛ بنابراین ایجاد نوعی تعادل بین رضایت اقتصادی، هزینه های مراقبت از کودک، مبنای اصلی نگرش افراد نسبت به تعداد فرزندان است. بر اساس نظریه لیبن اشتاین، سه نوع مزیت و دو نوع هزینه برای کودکان وجود دارد. ریچارد ایسترلین نظریه خود را با انتقاد از نظریه های اقتصادی باروری ارائه می کند. در واقع این نظریه دارای یک متغیر وابسته نهایی به نام «فرزندان زنده متولد شده» است که زوجین در طول زندگی زناشویی خود به دنیا می آورند و خود این متغیر تحت تأثیر متغیرهای دیگری به شرح زیر است:

تقاضا برای کودک: عواملی مانند درآمد، هزینه، مزایا، سلیقه و علایق خانواده بر تقاضای کودک تأثیر می گذارد. بنابراین، چنین خواسته هایی تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی است که بر انتخاب ها و ترجیحات خانواده در مورد بچه دار شدن تأثیر می گذارد.

ظرفیت باروری: ظرفیت فرزندآوری تعداد کل فرزندان است که زوجین می توانند در دوران ازدواج بدون استفاده از روش های پیشگیری از بارداری داشته باشند، اما این ظرفیت تحت تأثیر عوامل بیولوژیکی و فرهنگی است. رفتار باروری خانوارها تحت تأثیر رفتار اقتصادی آنهاست و

همان‌طور که خانوارها از نظر اقتصادی در مورد انتخاب کالا تصمیم می‌گیرند، در مورد داشتن فرزند نیز به ایجاد نوعی تعادل عقلایی در مورد ترجیحات و سلیقه‌های خود، میزان درآمد و هزینه‌های فرزند، عمل می‌کنند.

نظریه ارتقای اجتماعی توسط فیلسوف فرانسوی آسن دمونت تدوین شد. او معتقد است که داشتن فرزند کم‌ویش با موقعیت اجتماعی والدین ارتباط تنگاتنگی دارد. به عبارت دیگر، اگر در جامعه‌ای با تعداد فرزندان بیشتر، امکان ارتقای جایگاه اجتماعی و ارتقای طبقات اجتماعی بیشتر باشد (مانند بسیاری از جوامع توسعه‌نیافته کشاورزی)، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندان بیشتری داشته باشند. خانواده با توجه به پیشرفت و پیشرفت به دست آمده در جامعه و جایگاهی که به عنوان عضو دارد به بچه‌دار شدن می‌اندیشد. حال اگر بچه‌دار شدن باعث صعود خانواده شود ادامه پیدا می‌کند اما اگر فرزندآوری را مانع رشد و جایگاه اجتماعی خانواده بدانند به طرق مختلف آن را کنترل می‌کند.

تئوری تغییر و نظریه پاسخ توسط کینگزلی دیویس در سال ۱۹۶۳ با الهام از ایده‌های دمونت توسعه یافت. این نظریه کاهش باروری در کشورهای غربی را پاسخی به کاهش نرخ مرگ‌ومیر در آن کشورها می‌داند. از این رو اروپاییان غربی برای محدود کردن خانواده از پیشگیری از بارداری و ازدواج در سنین بالاتر استفاده می‌کردند زیرا امکان پیشرفت اجتماعی برای خانواده‌های پرجمعیت بسیار محدود بود. اما در کشورهای در حال توسعه، تغییر و کاهش میزان مرگ‌ومیر منجر به واکنش مشابهی نشد. تراکم جمعیت در روستاها به دلیل بهبود شرایط بهداشتی و به تبع آن کاهش مرگ‌ومیر کودکان و زادوولد باعث شد تا جمعیت بیش از حد روستاها برای یافتن شغل به مناطق شهری روی بیاورند و بدون تغییر الگوی باروری به مناطق شهری نیز سرایت کنند. نظریه جریان ثروت بین نسلی کالدول یک رابطه مستقیم بین ساختار خانواده و باروری را فرض می‌کند. بر اساس این نظریه، دو شکل اصلی از خانواده وجود دارد که بر اساس چگونگی جریان ثروت بین نسل‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. در جوامع بدوی و سنتی، مسیر جریان ثروت از جوانی به نسل‌های گذشته از پایین به بالا است. در این نوع جامعه، متعلقات فردی در تصرف اموال عمومی است. در جوامع توسعه‌یافته، ساختار خانواده به گونه‌ای

تنظیم شده است که ثروت از بالا به پایین به گونه ای جریان یابد که از والدین انتظار می رود رفاه اقتصادی فرزندان خود را تأمین کنند. این نظریه فرض می کند که تصمیمات باروری در همه جوامع تحت تأثیر عقلانیت اقتصادی مبتنی بر جریان ثروت بین نسل ها است. در جوامعی که ثروت از پایین به بالا جریان دارد، عقلانیت اقتصادی برای افزایش تعداد فرزندان که زنده می ماند کار می کند، زیرا به افزایش ثروت خانواده کمک می کند و همچنین امنیت والدین در دوران پیری و رفاه را تأمین می کند. اجتماعی و سیاسی هم می آورند. اما در جوامعی که ثروت از بالا به پایین جریان دارد، عقلانیت اقتصادی حاکی از آن است که خانواده ها فرزندی ندارند یا به اندازه کافی تعداد آنها وجود دارد که وضعیت روانی دلپذیری را برای فرزندان و والدین فراهم کند؛ بنابراین، بر اساس این نظریه، گذار جهانی از باروری بالا به باروری پایین، نتیجه تغییر ساختار خانواده است که جریان ثروت بین نسل ها نیز شکل می گیرد. تغییرات در ساختار خانواده نشان دهنده رشد ارزش های جدیدی است که به موفقیت و رضایت فردی اهمیت زیادی داده است. ارزش های جدیدی از طبقه متوسط تحصیل کرده در کشورهای غربی پدید آمده و به عنوان ارزش از طریق رسانه های جمعی و آموزش به کشورهای در حال توسعه منتقل شده است. گذار از ساختار خانواده سنتی به مدرن زمانی اتفاق می افتد که بخش بزرگی از جمعیت به ارزش های جدید باروری پایین پاسخ مثبت می دهند. فراهم کردن امکانات برای دسترسی توده ها به آموزش عمومی می تواند انتقال باروری را سرعت بخشد.

کالدول بیان می کند که در نسخه کلاسیک انتقال جمعیت، عامل اصلی کاهش باروری، نوسازی اقتصادی است، اما این توضیح با واقعیت مطابقت ندارد. از این رو، برای توضیح کاهش باروری، مفهوم غرب زدگی را مطرح کرده و آن را از مدرنیزاسیون جدا می کند. کالدول استدلال می کند که غرب زدگی ایده سکولاریسم، آموزش عمومی، تمرکز عاطفی و اقتصادی خانواده، تسلط بر محیط و تنظیم خانواده را در بر می گیرد و استدلال می کند که ایده فرهنگی خانواده هسته ای جریان ثروت را معکوس می کند. در گذار به تغییر خانواده، سبک زندگی افراد نیز تغییر کرده است. گیدنز معتقد است که امروزه افراد فرصت های بسیار بیشتری برای شکل دادن به زندگی خود دارند. پیش از این، آداب و رسوم تأثیر بسیار زیادی بر روند زندگی

مردم داشت. عواملی مانند طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت و حتی اعتقادات مذهبی می‌توانند دروازه‌ها را به روی مردم ببندند یا باز کنند. به‌عنوان مثال، سنت حکم می‌کرد که خانه مکان طبیعی زن است. در گذشته هویت شخصی افراد در بستر جوامعی که در آن متولد شده بودند شکل می‌گرفت، اما در شرایط جهانی شدن، با فردگرایی جدیدی روبرو هستیم که در آن افراد مجبورند فعالانه خود را بسازند و هویت خود را بسازند. کردن. از نظر توکویل، جامعه دموکراتیک، جامعه‌ای فردگرا است که در آن همه و خانواده‌هایشان تلاش می‌کنند تا از دیگران جدا شوند. امروزه فردگرایی در جامعه بیشتر شده است.

بخش نهم: روش پژوهش

در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. در بخش اسنادی سعی بر این است که با استفاده از منابع مختلف، مبانی نظری پژوهش شکل گیرد و در بخش پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه با آزمودنی‌ها مصاحبه شود. این پرسش‌نامه علاوه بر سؤالاتی در مورد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی خانوار، شامل شاخص‌های نامشخص رفتار باروری و وضعیت زنان است. پژوهش پیمایشی در جمعیت‌شناسی برای بررسی شرایط موجود و ارتباط آن با نیازهای جامعه استفاده می‌شود.

جامعه آماری: باتوجه به تعریف: مجموعه افراد جامعه را که نمونه‌ای از آنها بتواند نمایانگر و معرف آن باشد، جامعه آماری می‌نامند (منصورفر، ۱۳۸۴:۳۵)؛ جامعه آماری بررسی حاضر، کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه است که شامل ۳۰۰ نفر از کارمندان زن متأهل می‌باشد.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: روش نمونه‌گیری در این پژوهش، تصادفی است که باتوجه به جمعیت ۳۰۰ نفری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه و بر اساس فرمول کوکران که یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است، تعداد ۱۳۰ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند.

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است که محقق بر اساس چارچوب نظری و متغیرهای پژوهش و نظر استاد راهنما تدوین می‌کند. ابزار تکمیلی مشاهده و مصاحبه

غیرمستقیم است.

قابلیت اعتماد (پایایی): از تکنیک آلفای کرونباخ نیز برای سنجش پایایی مقیاس استفاده شده و گویه‌هایی که ضریب آلفای کرونباخ آنها کمتر از ۰/۷۳٪ باشند، به‌عنوان گویه‌های ناپایا حذف شده‌اند. در بررسی آلفای کرونباخ که مقدار آن بین ۰/۰۱ و $P < ۰/۰۱$ است، اگر آلفای کرونباخ مساوی یا بیشتر از ۷۰ درصد بود، پرسش‌نامه دارای اعتماد است و اگر این مقدار منفی شد، بدین معنی است که پرسش‌نامه دارای اشکالات فراوانی است. در واقع آلفای کرونباخ، همگونی بین گویه‌ها را می‌سنجد (ساروخانی، ۱۳۸۴:۲۸۹). برای بررسی آلفای کرونباخ پرسش‌نامه پژوهش حاضر ابتدا نمونه‌ای شامل ۳۰ پرسش‌نامه در بین نمونه‌های پژوهش که به‌صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند، توزیع و سپس از طریق نرم‌افزار SPSS برای آنها از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن ۰/۸۲ شد.

بند اول: روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ از آمار توصیفی جهت تعیین نمودارها، جداول فراوانی و درصد فراوانی استفاده و جهت آمار استنباطی، از ضرایب همبستگی و رگرسیون استفاده می‌شود و داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار می‌گیرند.

بخش دهم: بررسی تحلیل داده‌ها

جدول ۱: ضریب بتای استاندارد متغیرها

متغیر	R	R ^۲	F	ε	T	SIG.
سن ازدواج	۰/۷۶۵	۰/۵۸۶	۷۴/۵۶۱	۰/۸۴۴	۴/۲۷	۰/۰۰۰
تعداد مطلوب فرزند	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴۹	۱/۰۲۳	۰/۰۰۶	۰/۶۳	۰/۰۴۹
بعد خانوار	۰/۳۳۸	۰/۱۱۴	۲۰/۷۰۵	۰/۱۱۹	۳/۶۳	۰/۰۰۱
باورهای فردی	۰/۷۸۳	۰/۶۱۴	۶۸/۶۳	۰/۵۰۴	۳/۶۷	۰/۰۰۰
نوع خانواده (هسته‌ای، گسترده)	۰/۵۴۳	۰/۲۹۴	۱۸/۳۳۰	۰/۲۸۸	۳/۴۱	۰/۰۰۰
منزلت اجتماعی	۰/۸۲۱	۰/۶۷۴	۱۹/۶۰۲	۰/۶۷۰	۵/۱۴	۰/۰۰۰
عدالت محیطی	۰/۸۵۲	۰/۷۲۵	۲۴/۳۶۰	۰/۷۲۰	۵/۳۳۱	۰/۰۰۰

جدول ۲: تحلیل رگرسیون چندمتغیره با توجه به تفکیک متغیرهای اصلی

R ^۲	SIG	T	BETA	متغیرهای اصلی	MODEL
	سطح معنی داری	آزمون تی	بتا		
۰.۴۱۶	۰.۰۰۰	۶.۸۱۶	۰.۴۱۰	عوامل اجتماعی	۱
	۰.۰۰۰	۵.۱۸۷	۰.۲۳۳	عوامل فرهنگی	۲
	۰.۰۰۰	۵.۱۰۱	۰.۱۹۰	عوامل جمعیت‌شناختی	۳

تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر تکتک متغیرهای مستقل به متغیر وابسته را رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد. طبق جدول بالا تمام SIG ها معنادار بوده است. در تحقیقاتی که از تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود، هدف معمولاً ملاک از چند متغیر پیشین باشد از مدل رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. در صورتیکه هدف، پیش-پیشینی یک یا چند متغیر ملاک از یک یا چند متغیر پیش بین است. چنانچه هدف پیش بینی یک متغیر بینی همزمان چند متغیر ملاک از متغیرهای پیشین یا زیرمجموعه‌ای از آنها باشد از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. در تحقیقات رگرسیون چندگانه هدف پیدا کردن متغیرهای پیش بینی است که تغییرات متغیر ملاک را چه به تنهایی و چه مشترکاً پیش بینی کند. ورود متغیرهای پیشین در تحلیل رگرسیون به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد.

بند اول: خلاصه یافته‌ها

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارند. عوامل اجتماعی با بیش از ۴۳٪ در فرزندآوری مؤثر است. عوامل فرهنگی با بیش از ۲۳٪ در فرزندآوری مؤثر است. عوامل جمعیت‌شناختی با بیش از ۲۲٪ در فرزندآوری مؤثر است. یافته با نتایج شیری و بیداریان (۱۳۸۸) همخوانی دارد، آنان معتقدند که عدم توجه و یا کم-عوامل جمعیت‌شناختی با بیش از ۲۲٪ در فرزندآوری مؤثر است. توجه به شرایط اجتماعی، ارزشی و فرهنگی حاکم بر فضای جامعه و نیز موانع اقتصادی تأثیر

گذار بر باروری، عناصر مهم و مؤثر بر باروری است. همچنین ایزدی (۱۳۹۰) بیان کرده است که عوامل اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر را بر کاهش باروری بین جوانان داشته است. تحلیل فرضیه اول، مبنی بر: به نظر می‌رسد سن ازدواج بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است.

با توجه به محاسبه رگرسیون سن ازدواج توانسته ۵۹ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد ($P < 0/01$) می‌توان بیان کرد که هر چه سن ازدواج بیشتر باشد، فرزندآوری کمتر است. این یافته با نتایج امیرمرادی (۱۳۹۳) و همچنین خلج آبادی فراهانی و کاظمی پور (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

تحلیل فرضیه دوم مبنی بر: به نظر می‌رسد تعداد مطلوب فرزند بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است:

با توجه به محاسبه رگرسیون، تعداد مطلوب فرزند بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر نداشته است ($P < 0/01$) با اینکه زنان تمایل به داشتن فرزند بیشتر دارند ولی این مسأله در فرزندآوری آنان تأثیر نداشته است. این یافته با نتایج بدیعی (۱۳۸۶) و همچنین مشفق و غریب عشقی (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

بیان کرده‌اند که تعداد مطلوب فرزند تأثیری در ارزشگذاری فرزند نداشته است.

تحلیل فرضیه سوم مبنی بر: به نظر می‌رسد بعد خانوار بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است:

با توجه به محاسبه رگرسیون، بعد خانوار توانسته ۱۱ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد ($P < 0/01$) می‌توان بیان کرد که هر چه بعد خانوار بیشتر باشد، فرزندآوری کمتر است.

تحلیل فرضیه چهارم مبنی بر: به نظر می‌رسد باورهای فردی بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است:

با توجه به محاسبه رگرسیون، باورهای فردی توانسته ۶۲ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد ($P < 0/01$) این یافته با نتایج عرفانی (۱۳۹۳)

همخوانی دارد.

تحلیل فرضیه پنجم مبنی بر: به نظر میرسد نوع خانواده (هسته‌ای، گسترده) بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است: با توجه به محاسبه رگرسیون، نوع خانواده (هسته‌ای، گسترده) توانسته ۴۵ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد می‌توان بیان کرد که هر چه خانواده هسته‌ای‌تر باشد، فرزندآوری کمتر است. این یافته‌ها با نتایج شهبازی (۱۳۷۵) همخوانی دارد، وی بیان کرده است تعلق زن یا مرد بر خانواده گسترده یا هسته‌ای بر باروری تأثیر دارد.

تحلیل فرضیه ششم مبنی بر: به نظر میرسد میزان تحصیلات بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است:

با توجه به محاسبه رگرسیون، تحصیلات توانسته ۲۹ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد ($P < 0/01$) می‌توان بیان کرد که هر چه زنان به دنبال تحصیلات بیشتر باشند، فرزندآوری کمتر است. این یافته با نتایج خلیج آبادی فراهانی و کاظمی پور (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

تحلیل فرضیه هفتم مبنی بر: به نظر می‌رسد منزلت اجتماعی بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است:

با توجه به محاسبه رگرسیون، منزلت اجتماعی توانسته ۶۷ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد ($P < 0/01$) می‌توان بیان کرد که هر چه منزلت اجتماعی بیشتر باشد، فرزندآوری بیشتر است. اکین (۲۰۰۵) معتقد است سطح تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی زنان با باروری رابطه معکوس دارد. رابرتسون (۲۰۰۸) بیان کرده است ماشینی شدن زندگی‌ها و سرد شدن روابط خانوادگی از دیگر علل تأثیرگذار محسوب می‌شود. تحلیل فرضیه هشتم مبنی بر: به نظر می‌رسد عدالت محیطی بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است: با توجه به محاسبه رگرسیون، عدالت محیطی توانسته ۵۵ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد ($P < 0/01$) می‌توان بیان کرد که هر چه عدالت محیطی بیشتر باشد، فرزندآوری

بیشتر است.

تحلیل فرضیه نهم مبنی بر: به نظر می رسد میزان درآمد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر دارد، چنین نتیجه داده است: با توجه به محاسبه رگرسیون درآمد توانسته ۷۲ درصد بر فرزندآوری کارمندان زن متأهل ناحیه یک شهر ارومیه تأثیر بگذارد ($P < 0/01$) می توان بیان کرد که هر چه درآمد بیشتر باشد، فرزندآوری بیشتر است. این یافته با نتایج دلپسند (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

بحث و نتیجه گیری

باروری رابطه مستقیمی با تحولات جمعیتی دارد، از این رو بسیار حائز اهمیت است و هر گونه عاملی که آن را تحت الشعاع قرار دهد و در افزایش یا کاهش آن تأثیر داشته باشد، برای جمعیت شناسان قابل تأمل است. امروزه با شاهد بودن بر کاهش باروری در بین زوجین، جمعیت جوان کشور در آینده رو به کاهش خواهد نهاد و این امر برای برقراری تعادل نیروی کار و جوان با سالخورده مشکلاتی ایجاد خواهد کرد. در نتایج این پژوهش که به دنبال بررسی علل مؤثر بر باروری زنان شاغل بود، این نتیجه حاصل گردید متغیرهای درآمد، منزلت اجتماعی، عدالت محیطی، نوع خانواده، باور فردی زنان و سن ازدواج زنان بر کاهش باروری اثر دارد. درآمد عامل مهمی در داشتن فرزند یا نداشتن آن است. گاهی درآمد بالای زنان بر اثر ساعات کاری بیشتر آنان بوده و از این رو زنان برای داشتن درآمد بیشتر از فرزندآوری خودداری می کنند تا وقت بیشتری برای کار داشته باشند. اما آنچه در این پژوهش مشهود است، درآمد ناکافی زوجین برای فرزندآوری است. هزینه های زیاد فرزندان و مشکلات اقتصادی موجود در جامعه، بر این امر تأثیرگذار بوده و لذا هر چه درآمد کمتر می شود، فرزندآوری نیز کاهش پیدا می کند. آسن دمونت در نظریه ارتقای اجتماعی اعتقاد دارد که داشتن فرزند کمتر یا بیشتر ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی والدین دارد. به عبارت دیگر اگر در جامعه ای با داشتن فرزند بیشتر، امکان ارتقاء منزلت اجتماعی و ترقی در رده های اجتماعی بیشتر باشد، خانواده ها ترجیح می دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند. در این پژوهش نیز زنان شاغل با اشاره به همسانی و برابری منزلت اجتماعی، عدالت محیطی و عدم تبعیض بین

زنان و مردان، معتقد بودند که بر خورداری از هر کدام از این عوامل می‌تواند بر روند باروری آنان تأثیرگذار باشد. انعطاف‌پذیری زمان کار و فقدان یا ناکافی بودن توانایی و اختیار فرد برای تعیین و نظارت بر برنامه زمانبندی کار و ساعات کار زیاد و طولانی در برخی مشاغل، به‌ویژه مشاغل خدماتی، آزادی فرد را برای رسیدگی و توجه به تقاضاهای خانوادگی و نقش مادری محدود می‌کند. شرایط اضطراری خانوادگی و مراقبت از کودک محرک‌های تنش‌زای محیط‌های کاری و گاه عدم حمایت اجتماعی اعضای خانواده و عدم حساسیت سرپرست شغلی از درک نیازهای خانوادگی و مادری فرد، زمینه مساعدی فراهم می‌کند تا زوجین شاغل، کنترل اندازه خانواده را به‌رغم میل باطنی در نظر بگیرند. گذار جامعه از سنتی به مدرنیته نیز از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر باروری است. با کوچک شدن و هسته‌ای شدن خانواده، تغییر سبک زندگی و گرایش به مدرنیته بیشتر در بین جوانان، سبک و سیاق زندگی افراد تغییر اساسی یافته و این تغییر به‌طور محسوس در ازدواج و فرزندآوری نمایان شده است. از سوی دیگر مشکلات کاری و افزایش گرفتاری‌های روزانه بر این امر اثرگذار بوده است.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های پژوهش، مشاهده شد که موقعیت اجتماعی و عدالت محیطی بر نگرش زنان نسبت به باروری تأثیر می‌گذارد. پیشنهاد می‌شود بانوان شاغل به توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود آگاه شوند و با اعتماد به نفس و اعتماد به نفس در جهت شکوفایی استعداد‌های ذاتی خود تلاش کنند و در جهت افزایش مهارت‌ها و منابع علمی و عملی و افزایش توان رشد خود کوشا باشند. برای داشتن خانواده بزرگ‌تر

- امروزه گسترش زندگی ماشینی و هزینه‌های زندگی تأثیر زیادی در کاهش باروری داشته است. توصیه می‌شود زوج‌ها کمی از زندگی سنتی والدین را در زندگی خود بگنجانند و به ماشینی شدن زندگی و در نتیجه افزایش هزینه‌های زندگی نپردازند تا اوقات خوبی برای بچه دار شدن داشته باشند.

- بسیاری از زنان شاغل، علاوه بر فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، نقش تربیت فرزندان و رسیدگی به امور منزل را نیز بر عهده دارند. لازم است قانون برای آنها امکاناتی

فراهم کند تا با استفاده از دانش و تجربیات خود بتوانند با آسودگی خاطر نیروی انسانی آینده را تجهیز کنند. تسهیلاتی مانند انعطاف در ساعات کاری (ساعت کار شناور)، افزایش مرخصی زایمان، کاهش ساعات اجباری، مرخصی استعلاجی در صورت بیماری کودک، ارائه تسهیلات و کمک هزینه زایمان به زنان شاغل، ایجاد تسهیلات مناسب برای نگهداری از کودکان (مهدکودک، کلاس های آموزشی) و پرداخت حقوق همسر و فرزند از جمله اقداماتی است که جنبه انگیزشی قوی دارد و خدمات خالصانه تری را برای زنان شاغل در پی خواهد داشت.

- داشتن تحصیلات عالی منجر به مشارکت و مشارکت بیشتر زنان در مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می شود و بسیاری از فرصت های فرزندآوری و تربیت را جایگزین سایر فعالیت های روزمره می کند. بنابراین مسئولان و برنامه ریزان کشور باید امکانات آموزشی را برای توسعه و پیشرفت پایدار جامعه فراهم کنند تا موجب رشد و تعالی آنها در جامعه شود.



منابع و مآخذ

الف) کتب

- بهنام، جمشید (۱۳۷۸). جمعیت‌شناسی عمومی. تهران: مؤسسه مطالعه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- پولارد، ا.ا.ج (۱۳۸۰). روش‌های تحلیل جمعیت. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ سوم.
- پرسا، رولان (۱۳۸۰). جمعیت‌شناسی اجتماعی. ترجمه: منوچهر محسنی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
- تیلور، هاوارد، کینگ (۲۰۰۳). باروری و جمعیت، ترجمه: زهرا پورانصاری و علی ناصری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- رازقی نصرآباد، حجه بی بی (۱۳۹۳). زمینه‌های نظری باروری، گزارش فنی.
- زلینسکی، ویلبر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جغرافیای جمعیت، ترجمه فیروز جمالی. تهران: مؤسسه انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- سرایی، حسن (۱۳۹۰). روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۹). آینده‌پژوهی مسائل خانواده. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- فروتن، یعقوب (۱۳۷۸). باروری و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر عوامل اجتماعی، فرهنگ. تهران: نشر آگاه.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی چاووشی، میمنت و مکدونالد، پیت (۱۳۸۳). تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب. تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۵). مبانی جمعیت شناسی. چاپ ششم. تهران: انتشارات پیام نور.
- کتابی، احمد (۱۳۷۵). مبانی نظری جمعیت شناسی. تهران: نشر اقبال.
- کرمانی، ناهید (۱۳۸۵). بررسی ویژگی های جمعیتی دانش آموزان اسلامشهر. تهران: انتشارات آوا.
- کریمی، محسن (۱۳۸۷). رفاه اجتماعی. تهران: انتشارات سایه.
- گزارش عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیرخانه در سال ۹۰-۱۳۹۱، چند مقاله پیرامون جمعیت در ایران و جهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید). ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.
- لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه دکتر حسین محمودیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودیان، حسین، نوبخت (۱۳۸۹). مذهب و باروری، تحلیل رفتار باروری گروه های سنی و شیعه شهر گله دار استان فارس، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱.
- محمودی، محمدجواد (۱۳۹۲). درآمدی بر اقتصاد جمعیت (نگرش ها، روش ها و یافته ها). تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- معزی، اسدالله (۱۳۸۱). مبانی جمعیت شناسی. تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.
- منصورفر، کریم (۱۳۸۴). روش های آماری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۸۱). مبانی جامعه شناسی. تهران: انتشارات خردمند.

ب) پایان نامه ها

- امیرمردادی، روشنگر (۱۳۹۳). علل کاهش باروری در میان نسل دهه ۱۳۶۰ در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- ایزدی، علی (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر کاهش باروری در شهر یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.

- بدیعی، بهاره (۱۳۸۶). ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان در رابطه با باروری و تنظیم خانواده مراکز بهداشتی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- تبریزی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مؤثر بر باروری آموزگاران منطقه ۲۲ شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، واحد تهران مرکزی.
- شکربیگی، یوسف (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر تک فرزندی، مطالعه موردی: شهر ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
- شهبازی، محمد (۱۳۷۵). بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری در فرهنگیان شهرستان نهاوند، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.
- فرزادسیر، کامران (۱۳۸۳). عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر رفتار باروری مناطق روستایی استان یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی.
- فرزانه، سیف الله (۱۳۷۳). بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهرک یثرب قائم شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- عبرتگیر، مهدی (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر امید به زندگی رانندگان تاکسی شهر تهران در سال ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- عرفانی، امیررضا (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر نگرش زوجین به تک فرزندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- منظوری، علیرضا (۱۳۷۳). عوامل اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهرک شهید انصاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

ج) نشریات و مقالات

- امانی، مهدی (۱۳۸۱). نظری بر کاهش باروری و موالید در ایران. مجله بهداشت خانواده. ۱: (۱).
- پایدارفر، علی (۱۳۸۱). پدیده نوگرایی و رابطه آن با میزان باروری. فصلنامه جمعیت. ۲۰.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۹). جمعیت‌شناسی دانش نو بر پایه اندیشه‌ای کهن، مجموعه مقالات جمعیت و توسعه. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- شیرینی، طهمورث و بیداریان، سهیلا (۱۳۸۸). بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۲۰ ساله آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران. پژوهش نامه علوم اجتماعی. ۳: (۳).
- مشفق، محمود و غریب عشقی، سارا (۱۳۹۱). تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی. مطالعات راهبردی زنان. ۵۸.
- مهربانی، وحید (۱۳۹۳). درآمد خانواده و تقاضا برای فرزند: الگوی نظری بدیل و برخی شواهد. تحقیقات اقتصادی. ۱: (۱۳۳).